

مرگ بر امپریالیسم  
امریکا  
دشمن اصلی خلق ما



کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۹

سال دوم شماره ۵۷ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ۱۶ صفحه - قیمت ۲ روپیه

در برگزاری جشن اول ماه مه (روز جهانی کارگر) در سراسر ایران

# سرود میلیونها کارگر

## قوس مرگ سرمایه داری و سلطه امپریالیسم امریکا بود



میلیونها تن از کارگران میهن ما، روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر را جشن گرفتند و قدرت طبقه کارگر را به نمایش گذاشتند. طبقه کارگر میهن ما، همراه با میلیونها زحمتکش و دانشجو، دانشآموز و روشنفکر انقلابی در سراسر کشور در میدانها و خیابانها گرد آمدند و ناقوس مرگ سرمایه داری و سلطه امپریالیسم را به صدا در آوردند. به همین مناسبت به دعوت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در تهران و شهرهای بزرگ ایران مراسمی برپا شد که صدها هزار تن از کارگران، زحمتکشان، پیشهوران، دانشجویان و دانشآموزان و روشنفکران انقلابی در آن شرکت کردند. در زیر گزارشی از مراسم سازمان را در تهران می خوانید:  
در صفحه ۱۴

سرمقاله  
دسیسه های امپریالیسم امریکا و  
استن و جاسوسان آن دامنه وسیعتری می گیرد  
ای نابودی سلطه امپریالیسم امریکا متحد شویم

امپریالیسم امریکا در حالی که علیه ایران به تحریم اقتصادی دست زده، با عجله مشغول اعزام نیروها و جنگ افزارهای ضربتی خود به منطقه دریای عمان و خلیج فارس است و در همین حال به سازماندهی عوامل خویش در ایران پرداخته است. پس از شکست عملیات نظامی امریکا، شواهد حکایت از اقدامات تجاوزکارانه جدید امپریالیسم امریکا دارد.

سایروس ونس وزیر خارجه مستعفی امریکا، در مصاحبه مطبوعاتی خود از احتمال تجاوز نظامی جدید امریکا علیه ایران پرده برداشته است! مطبوعات و خبرگزاریها احتمال اشغال مناطق نفت خیز ایران را به عنوان سرآغاز تهاجم همه جانبه امپریالیسم جهانی علیه مردم مبارز ایران گزارش می کنند.  
بقیه در صفحه ۲

### فجایعی که بعنوان "انقلاب فرهنگی" صورت گرفت اعدام دو تن از انقلابیون اهواز، کشتار زندانیان، شکنجه ها و ...!

توطئه سرکوب جنبش دانشجویی در سراسر ایران که به قصد ایجاد انحراف در مبارزات ضد امپریالیستی توده ها طرح ریزی شده است، در شهر اهواز چهره های پس دمنشانه و عمیقاً ضد انسانی و چهره های بی نهایت گریه و نفرت انگیز گرفت. بازداشت و شکنجه، کشتار دانشجویان انقلابی در اهواز همچنان ادامه دارد و روز بروز مردم بیشتر به عمق این جنایات پی می برند. اعدام دو مبارز انقلابی، ارفقا احمد مودن و مسعود دانیالی که در سحرگاه شب ۱۳ اردیبهشت صورت گرفت، حاکی از تداوم کشتار انقلابیون در اهواز است. این اعدام هاتنها این را بیان میدارد که انقلابیون برای ساختن ایران آزاد و دمکراتیک آماده هرگونه فداکاری و ایثار هستند.

### صلح در کردستان بنفع زحمتکشان

\* مردم کردستان و هیئت نمایندگی خلق کرد، بارها موضع صلح طلبانه خود را اعلام کرده اند.

پس از شکست نیروهای سرکوبگر در جنگ تحمیلی گذشته و پس از یک دوره آرامش نسبی در کردستان، پس از دفع الوقتها و رسیدن به صلح عادلانه، سیاست های تفرقه افکنانه "هیئت ویژه دولت" و تلاش همه جانبه خلق کرد و هیئت نمایندگی آن برای رسیدن به صلح عادلانه، اینک بیش از دو هفته است که از هر طرف خلق قهرمان کرد را مورد یورش وحشیانه قرار داده اند.  
بقیه در صفحه ۱۶

### شناسایی و درهم شکستن باندهای سیاه وظیفه انقلابی است

برای اولین بار مقامات بی وزارت کشور طی اعلامیه ای که در سرویس اخبار تلویزیون در روز چهارشنبه ۱۵ اردیبهشت صادر شد، گروه هایی را که به صفوف راهپیمایی ها و اجتماعات سازمان های انقلابی یورش می برند محکوم کرد و از مردم برای دستگیری آنها کمک خواست. با این همه بقیه در صفحه ۳

در دور دوم انتخابات  
از کاندیداهای سازمان مجاهدین خلق ایران  
فعلانه حمایت کنیم!  
در صفحه ۳

## سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

SITA RAM  
10 VBP HOUSE RAFI MARG  
NEW DELHI-1100001.  
کشتار  
سازمان چریکهای فدائی



آنامه عدهای از کسبه جزء به نشریه " کار "

● سردبیر محترم نشریه کار، باز این مسئله را خوب توضیح دهید که کی بود جلوی گلوله‌های رژیم منفور ایستاد؟ پس چرا همانهایی که جواب شعار " مرگ بر شاه " را با به گلوله بستن مردم میدادند، همانها آمدند سر کار و به نام اسلام دستورهای رژیم سابق را بر روی ما پیاده میکنند؟ من نام کاسب‌ها و نام نویسنده‌ها را ننوشته‌ام چون ماهنوز در همان جاها کاسب هستیم و شاید ما را آزار بدهند.

# اجحاف و سرکوب کسبه جزء و دکه‌داران

زحمتکشان می‌اندازند. این سرهنگ ۲ هم به نفس سرمایه‌دارها و تاجرهای بزرگ و فروشگاه‌دارها برضد ما کسبه جزء و دیکرزحمتکشان که دکه‌دارند تحریک شده و بر علیه ما اقدام کرد تاگهان سرباز و گروهیان دوم حمله‌ور شدند. همان کارها و اقدامات ما موران احمق و مزدور سابق را اینها هم مرتکب شدند بدون آنکه فکر کنند ببینند با کسی طرفزند و غلام حلقه به گوش چه ز الوصفت‌هایی هستند گروهیان دوم به بیراه‌سن فروش کنار خیابان که به یکی دیگر گفته بود نمی‌خواهد جمع کنی حمله‌ور شد. بعد به سرباز گفت بپرش پاسگاه. پیراهن فروش گفت برای چی؟ سرهنگ ۲ جلو آمد و به گروهیان گفت: " این چی میگه؟ " گروهیان گفت: " قلدری می‌کنه. " بعد که سرهنگ به گروهیان گفت " معطل نکن، جمع کن " گروهیان بدون حرف با سه قنداق تفنگ و ۳ زد به دهان پیراهن فروش که دهانش پراز خون شد و رفت کلاشتوری شکایت. در آنجا اینطوری جواب گرفت: برو بی کارت. از کسی می‌خواهی شکایت کنی؟ انجام وظیفه کرده دیگه... " اوهم با دهن خون آلود، بی‌نتیجه برگشت. بعد اینطوری به کسبه جزء ظلم و اجحاف می‌کنند به نفع مفتخواران، آنهم توی این دوره بیگاری ونداری زحمتکشان.

سردبیر محترم نشریه کار، باز این مسئله را به خوبی توضیح دهید که کی بود جلوی گلوله‌های رژیم منفور ایستاد؟ پس چرا همانهایی که جواب شعار مرگ بر شاه را با به گلوله بستن مردم می‌دادند، همانها آمدند سر کار و به نام اسلام دستورهای رژیم سابق را بر روی ما پیاده می‌کنند. من نام کاسب‌ها را و نام نویسنده را ننوشته‌ام چون ماهنوز در همانجاها کاسب هستیم و شاید ما را آزار بدهند. کاسب‌های مبارز طرفدار فدائیان خلق ایران و کاسب‌های مسلمان طرفدار مجاهدین

که یک سرهنگ ۲ از ماشین چپ شهباز پیاده شد و به گروهیان دوم و سربازی که مسئول بازار دوم هستند دستور داد که بساط‌های کسبه بازار دوم را جمع کنند. چون آنهایی که خون ملت را در شیشه می‌کنند، ارتش و پلیس در اختیار خودشان است، آنها را به جان

عدهای از کسبه جزء و دستفروشان بازار دوم نازی آباد طی نامه‌ای برای نشریه کار نمونه‌هایی از اجحافاتی که به این ساعت حدود ۱ بعد از ظهر بود

## دسیسه‌های امپریالیسم امریکا و دوستان و جاسوسان آن

آماده می‌شود و در این راه بیش از هر چیز عمدتاً به عوامل داخلی خود تکیه دارد. مقابله با اقدامات تجاوزکارانه امپریالیسم امریکا و متحدان داخلی آن بدون اتحاد همه زحمتکشان ایران و همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه میسر نیست. اما این اتحاد عمل در حالی که لزوم آن بیش از همیشه احساس می‌شود هنوز در عمل وجود ندارد و همه نیروها ضرورت و اهمیت آن را به یکسان درک نکرده‌اند.

به علاوه در نتیجه فعالیت‌ها و اقدامات نفاق افکنانه حزب جمهوری اسلامی و سایر محافظی که خون شهدای خلق را وثیقه آرمان‌های فرصت‌طلبانه و قدرت طلبانه خود قرار داده‌اند، وحدت توده‌های مردم بیش از همیشه آسیب دیده و در معرض خطرات جدی قرار دارد و همه این مشکلات ادامه مبارزه با امپریالیسم امریکا و متحدان داخلی آن را با موانع جدی روبرو ساخته است.

این محافظ به‌جای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دانشجویان انقلابی دانشگاه‌ها را به خون می‌کشند، کارگران بیکار را به گلوله می‌بندند، دستور کشتار زحمتکشان دلیر کردستان را که دشمن آشتی ناپذیر امپریالیسم امریکا هستند صادر می‌کنند، شکار نیروهای انقلابی را رهبری می‌کنند و به‌جای افشای دسیسه‌های دشمنان مشترک همه مردم، یعنی امپریالیسم امریکا و متحدان داخلی آن، علیه نیروهای انقلابی یعنی سرسخت‌ترین دشمنان امریکا به‌هر اقدامی دست می‌زنند و با تبلیغات همه‌جانبه خود نمی‌گذارند مردم دوستان و دشمنان خود را بهتر بشناسند. این محافظ از آنجا که مانعی جدی در راه آگاهی مردم و وحدت عمل مردم‌اند و تاکنون بزرگترین ضربات را به مبارزات ضد امپریالیستی مردم وارد ساخته‌اند، چه بخواهند و چه نخواهند، چه بدانند و چه ندانند در خدمت منافع امپریالیسم امریکا و متحدان داخلی آن قرار می‌گیرند.

ما همه مردم مبارز ایران و همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه را به وحدت عمل در برابر دشمن مشترک یعنی امپریالیسم امریکا و متحدان داخلی آن دعوت می‌کنیم و بر این واقعیت تاکید داریم که همه آنهایی که از استقرار و تحکیم امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا زیان می‌بینند، همه آنها که در برابر تهاجم نظامی امریکا و متحدان داخلی آن به مقابله برمی‌خیزند، در برابر دشمن مشترک متحد یکدیگرند و ما برای هماهنگی و وحدت عمل همه این نیروها تلاش خواهیم کرد.

هم اکنون هلی‌کوپترها و هواپیماهای امریکائی آزادانه در نقاط جنوبی ایران فعالیت دارند و چه بسا که برای فتودال‌ها، خوانین و عوامل مزدور خود که در مناطق جنوبی کشور متشکل شده‌اند به حمل سلاح و مهمات مشغولند. از شواهد چنین برمی‌آید که شبکه وسیعی از فرماندهان ارتش از طریق شبکه‌های جاسوسی امریکا در ایران بطور فعال در جریان اقدامات امپریالیسم امریکا قرار دارند و بطور فعال در کار تدارک و اجرای طرح‌های امریکا هستند.

پس از تهاجم شکست خورده امریکا، فرماندهان ارتش بیدرتگ دستور دادند، اسرار نظامی امریکا که در هلی‌کوپترها جا مانده بود، نابود شود. پس از این تهاجم ستاد نیروهای هوایی طی تلفنگرام شماره ۱۳۰۳-۷/۲-۸ به ۵۹/۲/۴ گردان پدافند زمین به هوای پایگاه یکم به واحدهای مستقر در شهرهای بزرگ دستور می‌دهد که بی‌درنگ همه توپ‌های زمین به هوا و آتشبارهای مستقر در پایگاهها را جمع آوری کنند. این دستور سبب می‌شود که بیشتر فرودگاهها و پایگاههای مهم ایران در شب عملیات "نورسبز" عاری از دفاع ضد هوایی باشند و در خور توجه است که اخیراً مقامات بلند پایه نظامی امریکا فاش کرده‌اند که هواپیماهای امریکایی مستقر در ناوگان امریکا و در دیگر پایگاههای نزدیک ایران، در حال آماده باش بودند تا همزمان با حمله تفنگداران امریکایی به مرکز جاسوسی امریکا فرودگاههای تهران و سایر فرودگاهها و پایگاههای مهم ایران را بمباران کنند تا عملیات بدون مزاحمت‌های احتمالی پایان پذیرد! و باز در خور توجه است که چراغ‌های ورزشگاه امجدیه که در کنار مرکز جاسوسی قرار دارد و گویا به عنوان محل فرود هلی‌کوپترهای امریکایی انتخاب شده بود، در شب عملیات تا صبح روشن بوده است و رادارهایی که می‌توانستند ورود هواپیماها و هلی‌کوپترهای امریکایی را گزارش کنند از یک هفته پیش از کار افتاده بوده و درست در بحبوحه تدارک اجرای عملیات نظامی امریکا بمباران کردستان تشدید می‌شود و بسیاری از هلی‌کوپترها و فانتوم‌های ارتش برای بمباران کردستان و کشتار زحمتکشان کرد به غرب کشور اعزام می‌شوند تا توجه کافی برای ناتوانی نیروی هوایی در مقابله با این عملیات فراهم آید...

این شواهد نمونه‌های دیگری هستند که به وضوح نشان می‌دهند چگونه امپریالیسم امریکا برای سرکوب مردم ایران تحکیم سلطه خویش و در صورت لزوم به قدرت رساندن دوستان و جاسوسان خود و در راس آن فرماندهان ارتش





در دور دوم انتخابات

### از کاندیداهای سازمان مجاهدین خلق ایران

### فعالانه حمایت کنیم!

مردم آگاه و مبارز ایران!

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مطابق سیاست خود که تقویت نیروهای دموکرات و انقلابی است، از همه هم‌میهنان آگاه و مبارز دعوت می‌کند با شرکت فعال در انتخابات دور دوم در سراسر ایران با حمایت از کاندیداهای سازمان مجاهدین خلق ایران صف نیروهای مترقی را مستحکم‌تر سازند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران معتقد است در این شرایط حساس که میهنمان با تهدیدات و تجاوزات وسیع امپریالیستی و در رأس آن با دسیسه‌چینی‌های امپریالیسم امریکا مواجه است، موفقیت هر یک از کاندیداهای ترقیخواه در انتخابات مجلس شورای ملی ایران، جنبه مبارزه علیه امپریالیسم امریکا، این دشمن اصلی خلق ما را تقویت خواهد کرد. بگوئیم با شرکت هر چه فعال‌تر در دور دوم انتخابات به‌جای کاندیداهای سازشکار لیبرال و افسراطیسون قسری، تا آنجا که ممکن است، کاندیداهای سازمان مجاهدین خلق ایران به مجلس راه یابند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۹

بقیه از صفحه ۱۶

## صلح در کردستان بنفع ...

در بهار ۵۸ مردم سنندج و گنبد و سپس در مرداد ماه سال گذشته سراسر کردستان را به خون کشید و حالا نیز گنبد و سنندج و بمباران سراسر کردستان را آغاز کرده است. این ارتش هیچوقت نشد که علیه یک دولت خارجی بجنگد. همیشه هم ادعا دارند که وظیفه ارتش دفاع از مرزها و استقلال میهن است! اینجوری از مرزها و استقلال میهن دفاع می‌کنند!

بر علیه مردم ما جنگیده است. در سال‌های ۳۱-۳۲ هزاران نفر از مردم را کشت و برضد حکومت ملی مصدق کودتا کرد، در ۱۵ خرداد ۴۲ هزاران نفر را کشته است. در سال‌های قیام ۵۶-۵۷ دهها هزار نفر از هموطنان را کشتار کرد. در سالهای قیام هیچ شهری نماند که ارتش در آن مرتکب جنایت نشده باشد در روزهای قیام مردم و همافران مبارز و صدها نفر از بهترین فرزندان خلق را به خاک و خون کشید،

ساختن آنها منتهای کوشش را به عمل آوردند. آنچه اهمیت دارد این است که اقدامات انقلابی علیه این باندهای سیاه‌ناباید به گونه‌ای باشد که به رودرروئی‌های جبهه‌ای و خیابانی کشیده شود تا عده‌ای عناصر ناآگاه نیز بدون توجه به عمق قضیه به حمایت از آنها برخیزند و به درگیری‌های خیابانی کشیده شوند و ناخواسته به گسترش عملیات فاشیستی یاری رسانند که این خود بزرگترین هدف همین گروه‌های چماق‌دار است!

راه سقز به بوکان یک مینی‌بوس مسافر را به رگبار گلوله و راکت می‌بندند. ۷ نفر از مسافران را کشته و ۲۵ نفر را زخمی می‌کنند. هنگام کشتار این مسافران، خلبان‌ها بوسیله بی‌سیم باهم تماس گرفته و یکی می‌پرسد: "اینها پیشمرگ نیستند؟" مسافران آنها را بزنم؟ که دیگری جواب می‌دهد: "بزن. فرقی نمی‌کند!" این مکالمه را مردم از طریق رادیو شنیده‌اند. این تنها گوشه‌ای از جنایت فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی ایران در کردستان است.

راه سقز به بوکان یک مینی‌بوس مسافر را به رگبار گلوله و راکت می‌بندند. ۷ نفر از مسافران را کشته و ۲۵ نفر را زخمی می‌کنند. هنگام کشتار این مسافران، خلبان‌ها بوسیله بی‌سیم باهم تماس گرفته و یکی می‌پرسد: "اینها پیشمرگ نیستند؟" مسافران آنها را بزنم؟ که دیگری جواب می‌دهد: "بزن. فرقی نمی‌کند!" این مکالمه را مردم از طریق رادیو شنیده‌اند. این تنها گوشه‌ای از جنایت فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی ایران در کردستان است.

سرکوب خلق کرد تنها مسئله



## شناسایی و درهم شکستن ...

بقیه از صفحه ۱

حمایت و پشتیبانی قرار می‌گیرند. روزنامه جمهوری اسلامی هر زمان که این دار و دسته‌ها به اجتماعات فدائیان و مجاهدین و دیگر نیروهای انقلابی یورش می‌برند فوراً با تیتیر درشت می‌نویشت:

"مردم به فدائیان حمله کردند" و رادیو تلویزیون نیز به دروغ‌پردازی و جعل حقایق می‌پرداختند و از این دارو دسته با عنوان مردم و بنام مردم حمایت می‌کردند.

با اینهمه به اعتقاد ما پی‌گیری سیاست شناسایی و مجازات گروه‌های فشار و باندهای سیاه، امری است که مورد حمایت همه مردم ایران و تمامی سازمان‌های سیاسی و ضد امپریالیست و انقلابی است. این گروه‌ها و باندها تاکنون ضربات جبران‌ناپذیری به مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم میهن ما وارد آورده‌اند و دیگر نباید اجازه داد همچنان به یک تازی‌های خود ادامه دهند.

حالا دیگر ماهیت این باندهای سیاه و گروه‌های چماق‌دار برای همه مردم روشن شده است. حالا دیگر همه مردم می‌دانند که اینها از مردم نیستند بلکه بازماندگان همان چماق‌داران سابق هستند که توسط دشمنان انقلاب، توسط عوامل رژیم گذشته، علیه مردم و علیه انقلاب سازماندهی شده‌اند. اما ۱۵ ماه است که به نام مردم، دولت از آنها پشتیبانی نموده و هنوز هم حزب جمهوری اسلامی آنها را از زیر چتر حمایتی خود رها نکرده است.

در روزهای اخیر این باندهای فشار جنایتکاری خود را به حد اغلای خود رساندند. این جنایتکاران در فجایعی که اخیراً در دانشگاه‌های کشور اتفاق افتاد بیشترین نقش را داشتند و بیشترین جنایات را مرتکب شدند.

وظیفه‌ی همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه است، وظیفه‌ی هر فرد مبارزی است که این باندهای جنایتکار را شناسایی کرده و در متلاشی

گروه‌های مهاجم مانند پانزده ماهی که از قیام گذشته است بدون هرگونه ممانعتی زیر پرچم "حزب فقط حزب الله" به اجتماعات اول ماه مه که توسط سازمان ما و مجاهدین خلق برگزار شده بود، حمله کردند و گروه‌های زیادی از مردم را مجروح کردند. اما مهاجمان که نتوانستند اجتماع فدائیان را برهم زنند، پس از آنکه تعدادی را در میدان آزادی زخمی کردند به مردمی که از میتینگ برمی‌گشتند، در کوچه و خیابان حمله آوردند و فجایع تازه‌ای آفریدند.

امروز مهاجمان "حزب‌الله" کار را به جایی رسانده‌اند که آشکارا، هر ساعتی که بخواهند در کوچه و خیابان معترض مردم می‌شوند، به آنها توهین می‌کنند، محیط رعب و اختناق می‌آفرینند، به کتابفروشی‌ها حمله می‌کنند و کتاب‌ها را به آتش می‌کشند و حتی به خانه‌های مردم شبخون می‌زنند و ...

و ... تازه برای اولین بار است که وزارت کشور پی می‌برد که اینان از شمار مردم نیستند!

آقای رئیس جمهور به صرافت می‌افتند که برای حفظ ثبات و حیات سیاسی خود دیگر لب فرو نیندند و حقیقت را با مردم در میان بگذارند رئیس جمهور گفت:

"چماق‌داران دست از حمله آوری بردارند و اگر برنداشتند قوای انتظامی به وظیفه خطیر خویش عمل کند."

و در همانجا افزوده است: "این پذیرفته نیست که پس از ۱۵ ماه حمله آوری مستمر هنوز شناخته نشده باشند."

مدتی است که تمامی رهبران این گروه‌های فشار و باندهای جنایتکاری که تاکنون دهها انقلابی را به شهادت رسانده‌اند، شناخته شده‌اند. این گروه‌ها با حمایت‌هایی که تاکنون از آنان صورت می‌گرفت در پناه قانون جمهوری اسلامی بودند و هم امروز نیز از جانب محافل قدرتمند نزدیک به شورای انقلاب و روحانیون دارای نفوذ مورد

## گسترده باد همگامی و همکاری همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند



## مبارزه و مقاومت

# درس بزرگ تاریخ جنبش دانشجویی ایران

( قسمت دوم )

در سال تحصیلی ۴۷-۴۶ نمایانگر رشد سازماندهی مبارزات دانشجویی بود، در این سال دانشگاه‌های سراسر ایران همزمان بدل به صحنه مبارزات پرشکوه دانشجویان شد. شعارهای مترقی بر در و دیوار دانشگاه‌ها نمایان شدند. کلاسها برای مدتی بسته شدند و دانشجویان تظاهرات خیابانی وسیعی به راه انداختند. شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" در این سال در خیابان‌ها طنین انداخت و پلیس ضدخلقی برای سرکوب مبارزات دانشجویان وارد عمل شد. موج دستگیری، اخراج، شکنجه و حتی ترور دانشجویان بار دیگر بالا گرفت و عده کثیری از دانشجویان انقلابی یا روانه زندان شدند یا جهت خدمت سربازی به پادگان‌ها اعزام شدند و

اعتصابی گونی بافی شاهی برخاستند. دانشجویان فنی تهران طی تظاهراتی از مبارزات کارگران ایران حمایت کردند. دانشجویان اهواز در محلات فقیرنشین از جمله در لشکر آباد میتینگ‌هایی برپا داشتند و دانشجویان تبریز در مراسم سوگواری کارگر شهید صالح جهانی شرکتی فعال نمودند و به این ترتیب جنبش دانشجویی در پیوند با مبارزات توده‌ای هر روز گام‌های بلندتری، برمی‌داشت. رژیم در این سالها به شیوه‌های مختلف سرکوب، ارباب، تهدید، ترور و زندانی کردن دانشجویان دست می‌زد و یکی از شیوه‌های سرکوبش تعطیل کردن دانشگاه‌ها بود. رژیم با پیش گرفتن سیاست تعطیلی دانشگاه‌ها می‌خواست از طریق پراکنده کردن

با شروع اصلاحات ارضی در ایران مبارزات دانشجویی برای دادن آگاهی به توده‌ها در جهت شناساندن ماهیت اقدامات رژیم و افشای سیاست‌های جدید امپریالیستی برای زحمتکشان گسترش یافت. دانشجویان انقلابی به مردم می‌گفتند: اصلاحات ارضی که به دست یک دیکتاتور صورت می‌گیرد، به خاطر تامین منافع دهقانان زحمتکش نیست بلکه بخاطر گسترش تسلط آمریکا بر میهن‌مان است. در این سال مبارزات توده‌ها علیه امپریالیسم گسترش یافت. دانشجویان در قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲ شرکتی فعال داشتند و با شعار "شاه‌جلاد و خون آشام خون خلق را می‌ریزد" در صفوف اول تظاهرات وسیع خیابانی سینه‌های خود را آماج گلوله‌های مزدوران شاه کردند. در این زمان شعار "مرگ بر شاه" از مدتها قبل توسط دانشجویانی که در گروه‌های کوچک و مخفی دانشجویی فعالیت‌های سیاسی خود را پیش می‌بردند مطرح شده بود که طی تظاهرات موضعی خیابانی آن را به گوش مردم می‌رساندند. قیام پرشکوه توده‌های شهری توسط ارتش ضدخلقی به خون کشیده شد و خلق به پا خاسته ما با بجا گذاشتن هزاران شهید برای مدتی عقب نشینی کرد. با سرکوب قیام توده‌ها و تسلط کامل امپریالیسم بر میهن‌مان تغییراتی در رهبری جنبش دانشجویی به وجود آمد. رهبری جنبش دانشجویی تا سال ۴۲ با جبهه ملی بود که از آن به بعد هم‌زمان با ورشکستگی سیاست‌های بورژوازی ملی در سطح جنبش توده‌ها، رهبری بورژوازی جبهه ملی در جنبش دانشجویی نیز تضعیف شد و از این سال به بعد سمت ضدامپریالیستی مبارزات آشکار و نهان توده‌ها و بخصوص دانشجویان تقویت شد و جنبش دانشجویی سازماندهی جدیدی یافت. از این سال تا سال ۴۴ رفیق‌بزرگ جزئی همراه با دانشجویان مبارزی که سیاست صبر و انتظار جبهه ملی را محکوم می‌کردند و معتقد به ادامه مبارزه بودند به تشکیل سازمان دانشجویان وابسته به جبهه ملی ایران اقدام کردند. این سازمان با انتشار نشریه "پیام دانشجو" و "گوشید پرچم مبارزه دموکراتیک" را افراشته نگاه‌دارد. اما سرانجام کمیته مرکزی این سازمان به اتهام "تحریص مردم به مسلح شدن" و دفاع از مبارزات خلق و بیتنام بازداشت و به زندان محکوم شدند. در سال‌های بعد تظاهرات دانشجویی از صحن دانشگاه‌ها به محلات کشیده شد و گروه‌های مبارز دانشجویی با اعتصابات کارگران و زحمتکشان بیش از پیش همراهی را آغاز کردند. از جمله دانشجویان تظاهراتی در میدان شاه و خیابان شاهپور تهران به راه انداختند و شعار "مرگ بر شاه جلاد" را هرچه پرصلابت‌تر به زبان آوردند. تظاهرات موضعی از ابتکارات خود سازمان‌های دانشجویی بود که در پیشبرد مقاصد انقلابی‌شان کمک‌های شایانی به آنها می‌نمود. دانشجویان مسیرهای تظاهرات را خیابان‌های پرجمعیت انتخاب می‌کردند و تا رسیدن پلیس و گروه‌های ضربت حرف خود را به گوش مردم رسانده پراکنده می‌شدند. نمونه‌هایی از این تظاهرات در دست است که توده‌ها به دانشجویان پیوسته و همصدا با آنان شعارها را تکرار می‌کردند. در این سالها دانشجویان بایلسر به پشتیبانی از کارگران

رهبری جنبش دانشجویی تا سال ۴۲ با جبهه ملی بود که از آن به بعد هم‌زمان با ورشکستگی سیاست‌های بورژوازی ملی در سطح جنبش توده‌ها، رهبری بورژوازی جبهه ملی در جنبش دانشجویی نیز تضعیف شد.

پا از دانشگاه‌ها اخراج گشتند و اینبار شعار "دانشجویان را آزاد کنید!"، "زندانیان سیاسی را آزاد کنید!" در و دیوار دانشگاه‌ها و حتی شهر را پوشاند و رژیم تحت فشار جنبش دانشجویی عقب‌نشینی‌هایی کرد و دانشجویان توانستند علاوه بر به دست آوردن بسیاری از امکانات رفاهی خود شعارهای مترقی را در میان مردم مطرح کنند. روحیه مبارزاتی توده‌ها را بالا برد و سیاست‌های ورشکسته رژیم را در سرکوب مبارزات به نمایش گذارند. در این سال همکاری مردم کوچه و بازار با دانشجویان چشمگیر بود. آنها دانشجویان را در خانه‌های خود پناه می‌دادند. برایشان نان و آب و غذا می‌بردند و دانشجویان انقلابی را در پیشبرد مبارزه خود راسخ تر می‌کردند. در این سالها دانشجویان علاوه بر فعالیت‌های سیاسی گسترده، جهت نزدیکتر شدن به توده‌ها در غلیظت عمران و آبادی مناطق فقیرنشین شرکتی فعال داشتند. در این حرکت‌های توده‌ای، مردم زحمتکش ما می‌دیدند که دانشجویان انقلابی چگونه موانعی را که حکومت سرمایه‌داران می‌خواست بین پیوند دانشگاه و مردم زحمتکش ایجاد کند یکی بعد از دیگری از سر راه برمی‌داشتند و مصمانه در جهت آگاه کردن توده‌ها به منافع طبقاتی خودشان پیش می‌رفتند.

سازمان‌های دانشجویی به تکامل جنبش دانشجویی لطمه بزند و پیوند جنبش دانشجویی و جنبش توده‌ای را بگسلد. اما سازمان‌های دانشجویی در خارج از دانشگاه سیاست پیوند با توده‌ها را پیش بردند و از جمله کارهای توده‌ای که کردند بزرگداشت مراسم چهلم تختی بود که در سال ۴۶ با شعار "زحمتکشان بدانید تختی شهید گشته" و "دروغ بزرگ سال، خودکشی قهرمان" صورت گرفت و ده‌هزار نفر از مردم تهران را برای برپائی چنین مراسمی زیر این شعار بسیج کرد. زحمتکشان ما چنین فعالیت‌هایی را از دانشجویان به یاد داشتند، آنها به یاد داشتند که دانشجویان در کمک‌رسانی به مردم خسارت دیده از زلزله بوئین‌زهرها در سال‌های قبل چه تلاش‌های بی‌وقفه و صمیمانه‌ای داشتند به یاد داشتند که در آن سالها تختی به کمک دانشجویان در سازماندهی کمک‌رسانی به مردم آن منطقه چه فعالیت تحسین‌انگیزی داشت. زلزله بوئین‌زهرها که هزاران نفر از هم‌میهنان زحمتکش ما را به کام مرگ فرو برد فعالیت بی‌دریغ و شبانه‌روزی دانشجویان انقلابی را در خاطر توده‌ها ثبت کرد. مردم با چنین خاطراتی از تختی و دانشجویان در برپائی هرچه باشکوه‌تر چهلم تختی شرکت کردند.

در سال ۴۷ به دنبال جنگ ژوئن ۶۷ در خاور میانه و اشغال سرزمین‌های عربی به دست اسرائیل، دانشجویان به همراهی مردم نفرت خود را بر علیه رژیم متجاوز اسرائیل و صهیونیسم و همکاری شاه با صهیونیست‌های اسرائیل اعلام داشتند بطوری‌که در جریان مسابقات فوتبال بین تیم‌های ایران و اسرائیل شعار "بنا بود اسرائیل" در میدان مسابقه درود بر فلسطین در میدان مسابقه طنین انداخت و دفتر هواپیمائی اسرائیلی ال‌عال توسط دانشجویان به عنوان اعتراض به آتش کشیده شد. اعتصابات سراسری دانشجویان

در سال ۴۸ اعتصابات عظیم اتوبوسرانی در تهران به راه افتاد. در این سال توده‌ها فریاد اعتراض خود را علیه سیاست دولت در مورد افزودن قیمت بلیط اتوبوس بلند کردند و بار دیگر دشمنی آشتی ناپذیر خود را با رژیم شاه و سیاست‌های ضدخلقی آن به نمایش گذاشتند. در این مبارزه وسیع توده‌ای، دانشجویان بار دیگر نشان دادند که چگونه همیشه و در همه حال دوشادوش و پیشاپیش مبارزات زحمتکشان حرکت می‌کنند. ادامه دارد.

پیروزی باد جنبش انقلابی دانشجویی سنگر دفاع از آزادی‌های دموکراتیک





## مبارزه کارگران کفش ملی برای حفظ حق ۴۰ ساعت کار در هفته

او را از محوطه کارخانه بیرون می‌کنند و سپس در ساعت ۲ (مثل همیشه) کارخانه را ترک می‌کنند. هرچند کارگران و کارکنان کفش ملی مافد شورائی هستند که نماینده واقعی‌شان باشد با وجود این کارگران (علیرغم تزلزل شورای فرمایشی) به

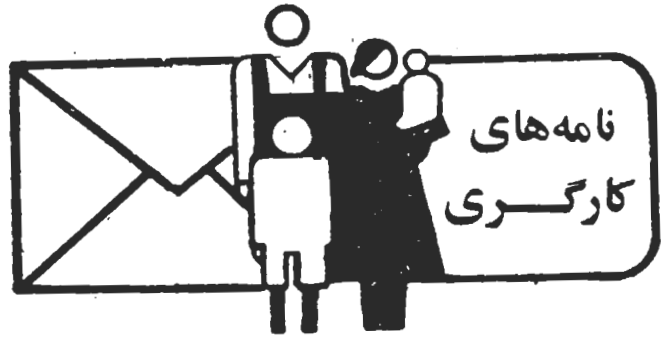
را از اول اردیبهشت ماه به اجرا در می‌آورد. " که باردیگر با مخالفت کارگران مواجه شد. مهاجرانی در یکی از جلسات شورای هماهنگی گفته بود که "از اول اردیبهشت ماه این بخشنامه را اجرامی‌کنم و خودم کلت می‌بندم و

تأمین حق ۴۰ ساعت کار در هفته و تعطیل پنجشنبه‌ها یکی از نتایج مبارزات کارگران و کارکنان گروه صنعتی کفش ملی بود. ولی علیرغم این دستاورد مبارزاتی کارگران، آقای مهاجرانی رئیس هیئت مدیره دولتی، به پیروی از سیاست‌های ضدکارگری دولت، همواره سعی داشته است که این دستاورد کارگران را زایل کند. ولی اقدامات او در مقابل اراده کارگران و کارکنان مبارز کفش ملی تاکنون به نتیجه نرسیده است. مهاجرانی در بهمن ماه گذشته می‌خواست با اضافه کردن یک ساعت کار در هر روز میزان کار در هفته را از ۴۰ ساعت به ۴۵ ساعت برساند. که این طرح در اثر مقاومت کارگران به شکست انجامید. ولی آقای مهاجرانی از ادامه توطئه چینی‌های ضدکارگری دست نکشید و علیرغم آن شکست اعلام داشت که بعد از عید اینکار را خواهد کرد و در فروردین ماه باردیگر این مسئله را بدینصورت طرح کرد که: "هیئت دولت (همان هیئتی که از طرف دولت در کارخانه است) با همکاری شورا (فرمایشی) این طرح

### ۴۰ ساعت کار در هفته خواست همه زحمتکشان است.

عوامل ضدکارگر فرصت بهره‌برداری از این امر را در جهت زایل کردن دستاوردهای مبارزاتی‌شان ندادند و به این ترتیب کارگران و کارکنان مبارز کفش ملی باردیگر نشان دادند که از دستاوردهای مبارزاتی‌شان متحد و یکپارچه و فعالانه دفاع می‌کنند. کارگران پس از افشاء و بی‌اثر کردن این طرح ضدکارگری باردیگر تاکید کردند که ۴۰ ساعت کار در هفته نتیجه مبارزه خود ماست و ما متحدان را حفظ می‌کنیم

پاسدار می‌آورم و هر طور شده اجرائیش می‌کنم. " روز اول اردیبهشت به سرویس‌ها دستور می‌دهد که به جای ساعت ۲ (که ساعت تعطیل کار بود) سرویس‌ها برای بردن کارگران ساعت ۳ بمانند. در این موقع همه کارگران متحداً اعتراض می‌کنند و در محوطه کارخانه جمع می‌شوند. وقتی مهاجرانی می‌آید که مسئله را آنطور که خودش می‌خواست طرح و حل کند کارگران به او اجازه عوامفریبی نمی‌دهند و با افشاء طرح ضدکارگری‌اش



## توطئه کارفرما برای اخراج کارگران

آنچه که در زیر می‌آید نامهای است از یکی از کارگران مبارز و آگاه کشفاف در خصوص اخراج ۱۴ نفر از کارگران کشفاف تریکو نوبل من یکی از کارگران کشفاف تریکو نوبل هستم ۶ سال است که شب و روز در این کارگاه کار کرده‌ام. کارفرمای ما فردی است عوام فریب که همواره سعی داشته و دارد که خود را فردی متدین و خدانشناس معرفی کند مثلاً در ماه رمضان پارسان به کارگران گفته بود که اگر نماز نخوانید و یا روزه نگیرید شما را از کارخانه اخراج می‌کنم. این کارفرمای ضدکارگر از اواخر سال ۵۸ سعی در اخراج ۱۴ نفر از ما را داشت که این توطئه را توانست در عید ۵۹ عملی کند. بعد از غیبت ما نماینده خود را به وزارت کار فرستادیم که موضوع اخراج و کم و کیف وضع ما به اطلاع وزارت کار رسید. پس از یک هفته که از کارفرما خبری نشد رفتیم به کمیته مرکزی. کمیته مرکزی هم به ما جواب درستی نداد. بعد رفتیم به منزل کارفرما که نتوانستیم آنجا پیداایش کنیم. کارفرما که از موضوع مراجعات و پیگیری ما مطلع شده بود چند تن از اوپاش را برای مقابله با کارگران اجیر کرده و در یکی

از روزهایی که منتظر او بودیم تا با او صحبت کنیم این اوپاش بر سر ما ریختند و ۴ تن از کارگران را مجروح کردند ما سپس از طریق سندیکای بافنده سوزنی اقدام کردیم که نمایندگان از سندیکای و همچنین از کارگران اخراجی برونند با کارفرما صحبت کنند تا مسئله حل شود. ولی کارفرما با بی‌شرمی و تزویر ادعا کرده "من تمام مزایا و حقوق اخراجی کارگران را قبلاً پرداخته‌ام". حال اینکه این ادعای واهی از اساس دروغ و باطل است. از نشریه محترم و انقلابی کار تقاضا داریم که این نامه را به چاپ رساند تا برای مردم مهین بهتر ثابت شود که چگونه طبقه سرمایه‌دار عامل اصلی اخراج کارگران و توطئه‌گرا اصلی در دامن زدن به مسئله بیکاری و فشار اقتصادی موجود است. این توطئه کارفرمای ضد کارگر کارگاه نوبل، بیانگر جزئی از توطئه‌های هرروزه کارفرمایان و بطور کلی طبقه سرمایه‌دار ایران است در جهت به شکست کشاندن مبارزات انقلابی طبقه کارگر ایران.

کارگر کشفاف تریکو نوبل

(کارگر کشفاف تریکو نوبل)

### توضیح و تصحیح

در ویژه نامه اول ماه مه "کار" در مقاله "اول ماه مه ۱۳۵۹" آمده است که: "اول ماه مه... را در شرایطی برگزار می‌کنیم که جنبش انقلابی دانشجویی که جزئی از جنبش کمونیستی ایران است... با پوزش بدین ترتیب تصحیح می‌شود: "اول ماه مه... را در شرایطی برگزار می‌کنیم که بخشی از جنبش انقلابی دانشجویی که جزئی از جنبش کمونیستی ایران نیز هست..."

## اقدام انقلابی

### نشورای کارخانه قند ارومیه

مهندس زارع را به دلیل اخلاقی در امور شورا از کارخانه اخراج کرده است. رئیس کارخانه عنصری ضد کارگر بود و در مقابل ملی شدن کارخانه کارشناسی و اخلاقی می‌کرد و همچنین قصد داشت کارخانه را ممبرو موم کرده و تعطیل نماید اما تمام توطئه‌های او در اثر هوشیاری و قاطعیت کارگران مبارزه شکست انجامید. مهندس زارع نیز که از کارخانه اخراج شده ماهی ۳۰ هزار تومان حقوق دریافت می‌کرد و کاری جز

کارخانه قند ارومیه متجاوز از ۱۰۰ کارگر دائم و ۳۰۰ کارگر فصلی دارد. شورای کارخانه (که عمدتاً از نمایندگان واقعی کارگران تشکیل شده است) با برخورداری از حمایت فعال کارگران توانسته است در جهت منافع کارگران گام‌های بزرگی بردارد. در روزهای اخیر شورای کارخانه، رئیس کارخانه قند ارومیه (فرهمنند) را از ریاست معزول کرده و به سمت حسابداری کارخانه منصوب نموده است و همچنین فردی به نام

اخلاقی و کارشناسی بر علیه شورا نداشت. از دیگر اقدامات انقلابی شورا، ملی کردن سه کارخانه قند حاج طرخانی (در خوی میانه و ارومیه) بوده است. شورا در گذشته نیز با اتکا به پشتیبانی قطعنامه کارگران توانست بسیاری از سیاستهای ضدکارگری ادار کار و استانداری آذربایجان غربی را افشاء نماید. که ایس افشارگری‌ها در ارتقاء سطح آگاهی کارگران و تحکیم اتحاد آنان حول شورا تأثیر فراوانی داشته است.

# استقلال - کار - مسکن - آزادی

# فاجعهای که بعنوان "انقلاب فرهنگی" در دانشگاه اهواز اتفاق افتاد

● کشتار وحشیانه دانشجویان در زندان اهواز حتی

● در دانشگاه پاسداران جلوی چشم دانشجویان کلت

در ضد مردمی ترین رژیمهای تاریخ نیز بی سابقه بود

جلوی گلوله‌های پاسداران عقب نهسته و به حوالی بیمارستان گلستان در محوطه دانشگاه رسیده بودند. دختری را متوقف می‌کنند و کلت را به شقیقه‌اش گذاشته و شلیک می‌کنند. این صحنه برای شاهدان چنان غیرمنتظره بوده که دچار حالت تهوع شده و برخی شوکه می‌شوند. دستگیری همراه با حرکات وحشیانه انجام می‌گیرد. دستگیر شدگان را سوار ماشین کرده و با کتک و فحاشی به زندان می‌برند. در چندین مورد حمله و تجاوز به دختران انجام می‌گیرد و تاکنون جسد سه دختر را از رودخانه کارون بیرون کشیده‌اند. بیش از ۷۰۰ نفر زندانی و چند صد نفر زخمی و دهها شهید نتیجه انقلاب فرهنگی‌ای است که به راه انداخته‌اند. اکثر شهدا دانشجویان دانش آموز و یا عناصر مترقی هستند که به ضرب گلوله‌ها، چاقو و شهید شده‌اند. جنایتکاران بعضی از این شهدا را به نام شهدای خود به خاک سپرده‌اند و در مورد بقیه هم اصلا صحبتی نمی‌کنند. در طی این هفته مقاومت دانشجویان و دانش آموزان و دیگر نیروهای انقلابی چه در زندان و چه خارج از آن، حماسه آفرین و شورانگیز بوده است. بسیاری از تیرخورده‌های زندانی شعارهای ضد امریکائی و شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" را هرچه پرصلاحت‌تر سر داده‌اند. زندانیان پرشور دست به اعتصاب غذا زده‌اند. آنها در زندان‌ها شعار می‌دهند، مقاومت می‌کنند و به آرمان‌های خود دلاورانه وفادارند. مقاومت زندانیان، ابعاد گسترده و بی‌سابقه جنایت باندهای سیاه را بیشتر آشکار کرده است. عده بسیار زیادی از زندانیان را در زندان شکنجه کرده‌اند. بیش از ۳۰ زندانی راه شدت شلاق بقیه در صفحه ۷

تخت‌هایشان پائین کشانده بودند. بلافاصله بعد از تیراندازی پاسداران، دستگاه‌های تبلیغاتی رادیو نیز دست به تهییج وسیع مردم می‌زند. رادیو اهواز اعلام می‌کند که دانشجویان با تبر بار به صفوف نمازگزاران حمله کرده‌اند و پیام جنتی را می‌خوانند که از مردم اهواز کمک می‌خواهد. گروهی که از قبل سازمان داده شده بود با استفاده از شلوغی محیط عکس‌های منحوس شاه و فرج را به داخل ساختمان پیشگام می‌آورند و جنتی و غرضی به

"اتحاد مبارزه پیروزی" که در دانشگاه طنین انداخته بود این امر را تأیید می‌کرد. جنتی جمعیتی را با خود به دانشگاه آورد که هم شامل عده‌ای از مردم بی‌خبر می‌شد که واقعا فکر می‌کردند دانشگاه تخلیه شده و آنها برای نماز به آنجا آمده‌اند و هم شامل چندصد نفر از اوباشان مسلح بود که با آمادگی کامل به دانشگاه آمده بودند. پس از برگزاری نماز جنتی شروع به سخنرانی و تحریک جمعیت می‌کند. در این هنگام گروهی یورش می‌آورند و دانشجویان

در قلب کارگران، زحمتکشان و ستم‌دیدگان خلق عرب، در قلب تمامی مردم متعهد و آزادیخواه کینه‌ای عمیق نسبت به این جنایات موج می‌زند: توطئه سرکوب جنبش دانشجویی در سراسر ایران که به قصد ایجاد انحراف در مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها طرح ریزی شده است در شهر اهواز چهره‌ای بس ددمنشانه و عمیقاً ضد انسانی و چهره‌ای بی‌نهایت کریه و نفرت‌انگیز به خود گرفته است. از آنجا که نیروهای انقلابی و ضد

هم میهنان مبارز! جنایاتی که اخیراً در دانشگاه‌ها صورت گرفت هر انسان متعهدی را به اعتراض وادار می‌دارد: ابعاد وسیع این جنایات چیزی نیست که بتوان با عوام‌فریبی و دروغ پردازی - آنچنانکه روزنامه جمهوری اسلامی و سایر دستگاه‌های تبلیغاتی رژیم به آن متوسل می‌شوند، پرده بر روی آن کشید: قشربون و همه آنها که از آگاهی مردم ما به وحشت افتاده‌اند پر آن شده‌اند تا هر نغمه آزادیخواهی و استقلال‌طلبی را خفه کنند. ما برای اینکه زحمتکشان میهنان هرچه بیشتر از عمق فجاج اخیر دانشگاه‌ها اطلاع پیدا کنند گزارش را از وضع دانشگاه جندی شاپور اهواز به زبان خود گزارشگر عیناً نقل می‌کنیم:

● در زندان اهواز یکی از دختران دانشجو را که به شکنجه و شلاق اعتراض کرده بود با خشونت به گوشه‌ای انداختند و به رگبار مسلسل بستند. این دانشجوی انقلابی مهناز معتمدی نام داشت.

خاطرم‌اش گرامی باد!

## اهواز در تب جنایات

### باندهای سیاه می‌سوزد

اکنون یک هفته است که اهواز در تب جنایات باندهای سیاه می‌سوزد. جنایاتی که به جرات میتوان گفت کم نظیر و بی‌سابقه است جنایاتی که تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" صورت می‌گیرد.

دادگاه انقلاب، تالار شهرداری، زندان کارون، مراکز کمیته‌ها، کمیته صحرائی، گاراژ پست بیست و چهارمتری، کارآموزی زرگان چمگلی تبدیل به زندان شکنجه‌گاه و کشتارگاه صدها دانشجو، دانش‌آموز و دیگر مردم مبارزی شده است که از دانشگاه به مثابه یک سنگر مبارزه ضد امپریالیستی و به مثابه یک سنگر آزادیخواهی دفاع می‌کنند.

در قلب پرشور زندانیان، در قلب خانواده‌های داغدار خانواده‌های زندانیان و افراد کم شده و مجروحین

امپریالیست به سرعت در دانشگاه‌ها و در بین کارگران نفت و فولاد دارای نفوذ و اعتبار میشدند، سرکوبگران در طی سه هفته قبل از شروع یورش به دانشگاه‌ها بیش از ۱۲۰ نفر از کارگران صنایع فولاد را اخراج و عده‌ای از آنها را زندانی کردند. آنها حملات سرکوبگرانه خود را علیه خلق عرب همچنان ادامه می‌دهند.

### چگونگی فجاج در

### دانشگاه اهواز

جنتی امام جمعه اهواز طی اعلامیه‌ای در تاریخ ۲ اردیبهشت ماه اعلام می‌کند که مراکز دانشجویی دانشگاه‌ها تخلیه شده و مردم را به برگزاری نماز در دانشگاه اهواز دعوت می‌نماید. در حالی که او می‌دانست هنوز دانشجویان در دانشگاه هستند: شعارهای "مرگ بر امریکا"

را زیر باران سنگ می‌گیرند. این حمله با مقاومت دلاورانه دانشجویان روبرو شده و باندهای سیاه وادار به عقب‌نشینی می‌شوند. به یکباره صدای گلوله‌های کلت و ژ-۳ از گوشه و کنار بلند می‌شود. پاسداران که از قبل آماده شده بودند اکنون بر روی صفوف دانشجویان کُ سلاح که سرشار از عشق به خلق و ایمان به پیروزی هستند، شلیک می‌کنند.

همه چیز نشان از یک توطئه جنایتکارانه می‌دهد: تقریباً ۲ ساعت قبل از شروع درگیری در مقابل درب ورودی دانشگاه از ورود اتومبیل‌های معمولی به دانشگاه جلوگیری میشده ولی تعدادی اتومبیل در اطراف دانشگاه کمین کرده بودند و دانشگاه را در محاصره داشتند: آنها از صبح همان روز تحت عنوان اینکه در بیمارستان شماره یک اهواز بمب کار گذاشته شده بیماران را از

مردم می‌گویند که درستاد پیشگام عکس‌های شاه و فرج و آموزگار را پیدا کرده‌اند. این نمونه‌ها بیش از هر چیز استیصال و ورشکستگی سیاسی آنان را می‌رساند. در سه‌شنبه سیاه اهواز جنایات بی‌شماری انجام گرفت. عده‌ای را وحشیانه با چوب و میله آهنی می‌زدند تا جایی که دانشجویان غرق در خون به حال اغما می‌افتادند در یک مورد دانشجویی را با زنجیر بروی زمین می‌کشیدند و در همان حال می‌زدند. پیکر غرق به خون این دانشجو که در حال اغما بوده نیز از حملات وحشیانه در امان نماند. بعضی از پاسداران حتی در فاصله سه - چهار متری هدف می‌گرفتند و به پای دانشجویان شلیک می‌کردند. مثلاً رفیق جبرائیل هاشمی را به این ترتیب به گلوله می‌بندند که در بیمارستان بر اثر جراحات وارده به شهادت رسید. زمانی که دانشجویان از





### بر اساس حکم دادگاه انقلاب اسلامی اهواز

## دو مبارز اعدام شدند

● نائید اعدام انقلابیون در اهواز توسط "شورای انقلاب و رئیس جمهور" دلیل تاکید آنان بر سیاست سرکوب و اختناق است.

سحرگاه شنبه ۱۳ اردیبهشت ماه دو مبارز انقلابی رفقا احمد مودن و مسعود دانیالی در بی دادگاه حزب جمهوری اسلامی محاکمه و به دست خوچه جنایت سپرده شدند. "دادگاهی" که در آن به از وکیل مدافع خیری است، به از قاضی و نه از ناظر، ریش و فیچی در دست حزب جمهوری اسلامی است. اتهام را حکم بجای قرائت می کنند و خودشان بلافاصله اجرا می کنند. آری دادگاهی که

عناصر ساواک و سردمداران رژیم شاه را تبرئه کند و از آنها اعاده حیثیت نماید، به جز این هم نمی تواند بسا انقلابیون رفتار نماید. آری، جنایتکارانی که توماج و همزمان را در اسارت به گلوله بستند، آنها که در دل شب دست جنایتکارشان از آستین باند های سیاه به در می آید و فرزندان راستین طبقه کارگر را ترور می کنند و بالاخره آنها که در روز روشن دستور حمله و قتل عام

دانشجویان انقلابی و مبارزان خانه های مردم کردستان را صادر می کنند، دادگاهشان هم همین بیدادگاه است که رفقای انقلابی را به جرم شرکت در اکثر تحصن ها و اعتصابات و اقدامات علیه جمهوری اسلامی و... به خوچه جنایت می سپرد. سال "امنیتی" که حکومت نوید آن را می دهد همین است آزاد کردن ساواکی ها و باز گردانیدن آنها به سرکار برای شکار انقلابیون و کشتار آنها و

دست آخر برقراری امنیت برای طبقه سرمایه دار ایران. این جنایت که بعد از انقلاب خونبار مردم ما اتفاق می افتد نشانه ای از وحشت حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب از رشد آگاهی و اتحاد مردم مبین ما و بیانگر نفرت عمیق آنها از نیروهای انقلابی است. این سند ورشکستگی مجریان آن را به وضوح نشان می دهد و چهره آنها را بیش از پیش رسوا و مفتضح ساخت. این جنایت

در عین حال حقانیت سیروهای انقلابی را بکرای مردم ما روشن تر کرد و نشان داد که برای ساختن ایرانی آزاد و دمکراتیک، انقلابیون آماده هرگونه فداکاری هستند.

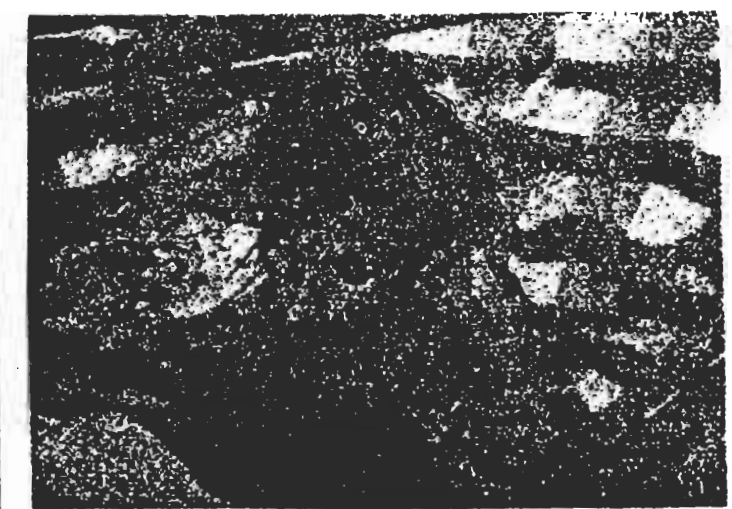
جاودان باد خاطره تمام تمام شهدای راه آزادی و استقلال



## فاجعه ای که بعنوان ...

بعضی از اعضای انجمن های اسلامی در تمام شهر برای شناسایی عناصر مترقی فعالیت می کنند. در بیمارستان ها نیز آنچنان محیط ترعب و وحشتی به وجود آورده اند که کارکنان بیمارستان ها تاکنون دو بار دست به اعتصاب و تهدید به استعفا زده اند چندین دکتر

زده اند شلاق ها از کابل هستند که با قساوت هر چه تمام تر به کمر زندانیان می زنند. چندین مورد حمله به زندانیان زن و قصد تجاوز به آنها دیده شده است. در بیرون از زندان باند های سیاه و چماقداران به ارباب مردم و خانواده زندانیان



این شهدا در اسارت یعنی در زندان جمهوری اسلامی توسط پاسداران به رگبار بسته شدند.



بیشتری یورش آوردند و آنها را بی محابا به گلوله بستند. و اما در مورد دانشجوی مبارز دیگر، مهناز معتمدی، جریان بدین صورت بود که این دختر مبارز نیز از جمله دانشجویانی بود که در دانشگاه اهواز دستگیر شده بود. پاسداران او و تعدادی دیگر از دختران دانشجویان را به قصد شکنجه با چشمان بسته در مقابل دیوار قرار دادند و برای ایجاد ارباب در اطراف سر آنها شروع به شلیک گلوله نمودند. یکی از این دختران که مهناز معتمدی نام داشت، به این عملیات فجیع اعتراض کرد. پاسداران موهای سرش را گرفتند، او را روی زمین کتیدند و سپس با مشت و لگد او را به گوشه ای انداختند و به رگبار مسلسل بستند. آنها برای قانونی جلوه دادن جنایات خود نام این دختر مبارز را با بشرمی تمام جزو آن دسته از زندانیانی اعلام کردند که بقول خودشان "شورش" کرده بودند.

اهواز حماسه دیگری بر حماسه قهرمانی های خلق افزود. واقعیت از این فرار بود که اصلا شورش صورت نگرفت بود. پاسداران پس از یورش به دانشگاه عده زیادی از دانشجویان را دستگیر کردند و چون زندان پر شده بود و جا نداشت، آنها را به سالن شهرداری منتقل کردند. وقتی دانشجویان به برخوردهای پاسداران و نحوه بازداشت خود اعتراض کردند، پاسداران با خشونت

حالی به خانواده اش تحویل می دهند که با قمه گردن او را شکافته بودند. اما در اخباری که از طرف رژیم در این باره منتشر شد، چنین ادعا شده است که: "زندانیان اهواز شورش کردند و در این شورش ۴ نفر کشته شدند که یکی از آنها دختری به نام مهناز معتمدی بود." پخش این خبر دروغ و استفاده از این شیوه های آپریمبری برای مردم ما

انترن، رزیدنت و پرستار هم در زندان به سر می برند. شورش یا جنایت؟! روز پنجشنبه ۴ اردیبهشت ماه ۵۹ جنایت هولناک دیگری در تالار شهرداری (یکی از اماکن که زندانیان راه آنجا می بردند) اتفاق افتاد. در حالی که خانواده های زندانیان در خارج از تالار شهرداری اجتماع کرده بودند و به این جنایات اعتراض می کردند، زندانیان به دادن شعار ضد امریکائی می پردازند

مشغولند. چماقداران که بنا به گفته یکی از آنها روزانه ۱۲۰ تومان همراه سه وعده غذا دریافت می کردند، بارها و بارها به زنان و کودکان پیرزنان و پیر مردان، مادران و پدران نگرانی که در حول زندان ها جمع شده بودند حمله کردند، آنها را کتک زدند و تهدیدشان کردند. چماقداران و پاسداران به چندین خانه در اهواز نیز یورش برده و تعدادی را در خیابان ها دستگیر کرده اند.

اس حمایت ها هنوز به اشکال مختلف در اهواز ادامه دارد و روز بروز مردم بیشتر به عمق این حمایت می برند و از مقاومت دانشجویان و دانش آموزان انقلابی و قهرمان اهواز حمایت می کنند. به شهدای قهرمان اهواز درود می فرستیم و آسمان دارم روزی که حلو بداد هر قطره حوسان محراب می شود.

گرامی باد حماسه شهادت دلاوران دانشجویان رزمنده و انقلابی دانشگاه های ایران

(قسمت دوم)

بمناسبت پنجمین سالگرد فتح سایگون (شهرهوشی مین) و آزادی کامل ویتنام

# شکست جهانی امپریالیزم آمریکا هر روز نزدیک تر می شود

می شدند. گروه های تبلیغ، پیشرومقام در فعالیت بودند. زوجه جوشان خلق دشمن را در وحشت فرو برده بود. در ظرف چند روز صدها کادر حزبی بطور مخفیانه به شهر وارد شدند تا به کمک سایر رفقای خود بشتابند. کمیته حزب چاپخانه های کوچک و بزرگ زیادی در اختیار داشت و صدها ماشین با بلندگو برای تبلیغ در سطح شهر آماده کرده بود. در خیاطی ها هزاران متر پارچه به پرچم انقلاب تبدیل می شدند. شاخه حزب در سایگون در تدارک یک قیام توده ای بود تا در تلفیق آن با حمله ارتش خلق پیروزی کامل را تضمین نماید. ضدانقلاب از درون و بیرون شهر زیر ضربه قرار گرفته بود. در ۸ آوریل یک خلبان نیروی هوایی سایگون که عضو حزب کارگران ویتنام بود کاخ ریاست جمهوری را بمباران کرد. و سپس با هواپیما خود به ارتش خلق پیوست. تیو دستور داد تا حلقه دفاعی سایگون را تحکیم بخشند و نیروهای خود را در حومه شهر مستقر کرد.

ارتش خلق نیروهای خود را در ۵ نقطه اطراف شهر متمرکز کرده بود. کادرهای رهبری حزب و دولت انقلابی ستاد رهبری را در حومه شهر قرار داده بودند و از همانجا عملیات را رهبری می کردند. برنامه حمله وسیعاً مورد بحث قرار گرفت. دو مسئله اساسی در کنار صدها مسئله دیگر وجود داشت که می باید حل می شدند. اول اینکه شیوه حمله تعیین شود و دوم اهداف حمله، مسئله حفظ جان اهالی شهر یک مسئله بسیار مهم بود که می باید توجه لازم به آن بشود. دشمن در سایگون و سراسر جهان تبلیغات وسیعی به راه انداخته بود که سایگون بزودی به حمام خون تبدیل خواهد شد.

سرانجام برنامه حمله طراحی شد. ۵ نقطه اصلی برای حمله و تصرف انتخاب شدند. مقر سرفرماندهی ارتش سایگون، "کاخ استقلال"، مقر سرفرماندهی مخصوص منطقه، مقر پلیس و فرودگاه، اینها عمده ترین مراکز رژیم سایگون بودند. حمله باید به شکل برق آسا انجام گیرد تا ارتش سایگون فلج شود. شیوه حمله استفاده از همه نیروها منزوی کردن نیروهای دشمن و جلوگیری از عقب نشینی آنها به داخل محدوده شهر بود. نیروهای توپخانه دشمن می باید بلا درنگ نابود شود. نیروهای انقلاب باید بلافاصله به شهر وارد شده، آنرا تصرف کرده و سپس باقیمانده نیروهای دشمن را در خارج شهر نابود نمایند. نیروهای انقلابی درون شهر واحدهای عملیات مخصوص، نیروهای مسلح حفاظتی و نیروهای دفاع از خود تشکیل داده بودند که می باید سریعاً پلها را تصرف کرده، نیروی ارتش خلق را به شهر هدایت نموده و ضدانقلابیون را خنثی نمایند. آنها وظیفه رهبری قیام توده ای در شهر را به عهده داشتند که طرح و نقشه آن در تمام قسمت های حزبی داخل شهر وسیعاً تشریح شده بود.

خلق ویتنام در زیر رهبری حزب کارگران ویتنام (حزب کمونیست) خود را سازمان می داد تا سریعاً زیباترین محصول قرن را بیافریند. عملیات بقیه در صفحه ۹

کیلومتر را می پوشانید با ساختمان های بلند و محکم و مجتمع های ساختمانی بسیار. اینجا مرکز اعصاب دولت مزدور تیو بود که انبارهای عظیم نظامی و پشت جبهه دشمن در آنجا متمرکز شده بود. در جنوب شهر رودخانه ها و حویبارهای بسیاری وجود دارد. حومه شهر منطقه ای است مرتفع که برای تحرک نظامی مناسب است. در شمال، شمال غربی و بخصوص شرق سایگون پل های فراوانی وجود دارند که به مثابه دروازه های ورود به شهر هستند. نیروهای ارتش خلق اطلاع یافته بودند که دشمن قصد دارد تمام این پلها را



ارتش آزادیبخش هنگام ورود به خیابانهای سایگون (شهرهوشی مین) در اول ماه مه

مین گذاری بکند تا در آخرین فرصت از پیشروی ارتش خلق جلوگیری به عمل آورد. اگر نیروهای انقلابی نتوانستند این پلها را تصرف کنند نیروهای زرهی و سنگین موفق به ورود به شهر نمی شدند و آنگاه فصل بارانی فرامی رسید و مشکلات زیادی به وجود می آمد. امپریالیزم آمریکا سایگون را به مرکز اصلی برنامه های نواستعماری خود تبدیل ساخته بود. مواد مخدر، فحشاء، قمار دزدی و قتل و غارت سراسر شهر را فرا گرفته بود و تبلیغات ضد کمونیستی به شدیدترین وجهی در جریان بود.

اما مردم سایگون دارای سابقه مبارزاتی بسیار طولانی بودند. شاخه حزب کارگران ویتنام در سایگون در شرایطی بسیار سخت به کار پیگیری و ممتد خود ادامه داده بود و هسته های بسیار زیادی در تمام مناطق شهر ایجاد کرده بود. در این زمان کمیته حزبی سایگون فعالیت شدیدی را آغاز نموده بود. صدها هزار اعلامیه چاپ و پخش

ارتش خلق با استفاده از موقعیت مناسب جدید سریعاً وارد عمل شد و در ۱۹ مارس سراسر ایالت کوآنگ تری را آزاد ساخت. روز ۲۱ مارس نیروهای انقلاب حملات گسترده ای از شمال، غرب و شرق آغاز کردند و ضربات پی در پی خود را به دشمن وارد آوردند. در ۲۵ مارس شهر هونه پایتخت کهنسال ویتنام آزاد شد و پرچم انقلاب بر فراز دروازه قدیمی شهر به اهتزاز درآمد. در همین روز دانانگ به محاصره نیروهای انقلابی درآمد. ارتش مزدور به تخلیه سریع نیروهای خود و مستشاران نظامی آمریکا پرداخت. آنها بر سر فرار و سوار شدن در هواپیما با هم به نزاع می پرداختند. ضدانقلاب فرار می کرد و انقلاب به پیش می رفت. یکی از کارکنان ستاد سرفرماندهی عملیات نیروهای انقلابی در آن موقع می گفت:

"من قادر نیستم به این سرعت نقشه ها را تنظیم نمایم و موقعیت نیروهایمان را مشخص کنم" در همین روز دفتر سیاسی حزب جلسهای تشکیل داد و اعلام نمود:

"تهاجم استراتژیک سراسری، با نیاید نای نگوین آغاز شده است. یک فرصت جدید استراتژیک فرا رسیده است و شرایط امکان می دهد که قطعنامه رهائی ویتنام را زودتر از موقع به عمل آوریم. در آوریم... ما مصمم هستیم که نیروها و سلاح های پیشرفته و مواد لازم را سریعاً متمرکز کرده و سایگون را قبل از آغاز فصل بارانی آزاد کنیم."

در ۲ آوریل ۷۵ وان مین رئیس ستاد ارتش سایگون اعلام کرد که وی "مصمم است که مناطقی باقیمانده را شدیداً حفظ نموده و کوشش می کند از فان دانگ به جنوب را حفظ نماید." فرماندهی دشمن دستوری صادر نمود که سربازان تا فصل بارانی به مقاومت همه جانبه دست بزنند تا این زمان ۳۵ درصد نیروهای ارتش دشمن منهدم و فراری شده بود و بیش از ۴۰٪ سلاح های مدرن و تکنولوژیک آنها به وسیله انقلاب مصادره شده بود و ۱۲ ایالت بطور کامل آزاد گردیده بود که جمعیتی بالغ بر ۸ میلیون نفر را در بر می گرفت. در نبرد دانانگ هماهنگی کاملی بین حملات ارتش خلق و قیام های توده ای ایجاد گردید که این مسئله به نگر مقاومت توده ها و اعتلاء حرکات توده ای در سطح جامعه بود.

دفتر سیاسی حزب تصمیم گرفت که تمام نیروهای جامعه را برای نبرد نهایی بسیج نماید. تمام واحدها دستور یافتند که ارجحیت را به جبهه نبرد سایگون بدهند. تمام خلق زیر شعار "سرعت برق، شجاعانه، غافلگیرانه، پیروزی قطعی" بسیج شدند. دفتر سیاسی هفته آخر ماه آوریل را برای حمله نهایی و فتح سایگون تعیین نمود. در ساعت ۷ بعد از ظهر ۱۴ آوریل ۷۵ تلگرامی از دفتر سیاسی به فرماندهی عملیات ژنرال وان تین دان مخابره گردید.

"موافقت می شود عملیات سایگون، عملیات هوشی مین نامگذاری شود"

و بدین ترتیب بزرگترین حماسه سال های اخیر بانام رفیق هوشی مین رهبر کبیر خلق ویتنام مزین گردید.

سایگون - جیادین شهر بزرگی با جمعیت ۲/۵ میلیون نفر بود که مساحتی در حدود ۱/۸۴۵

امریکا تو خالی است ویتنام گواهی است





### بمناسبت پنجمین سالگرد فتح سایگون . . .

بقیه از صفحه ۸

هوشی مین؟ سردمداران امریکا دیگر از نجات دولت تیو قطع امید کرده بودند در دوم آوریل راکفلر اعلام کرد:

"دیگر برای ما دیر شده که بتوانیم برای عوض کردن شرایط کاری انجام بدهیم. فور دوکی سینجر به تیو اعلام کردند: "ما در غم شما شریک هستیم و این عقب نشینی های لازم را درک می کنیم." اما همچنان سفیانه می گفتند: "امریکا همچنان فاطمانه در پشت جمهوری ویتنام ایستاده است." آنها قطعنامه ای از کنگره امریکا گذراندند و ۷۷۲ میلیون دلار بودجه برای کمک به رژیم تیو تحت عنوان "برنامه تخلیه و حفاظت تخلیه" اختصاص دادند. آنها تا آخرین روز سرنگونی رژیم سایگون سعی داشتند نشان دهند که اربابان قابل اعتمادی هستند و از نوکران خود به خوبی حفاظت می کنند. در همین روزها بود که فتح پنوم پین و ضربات انقلابیون لائوس به امریکا به وقوع پیوست. روز ۱۸ آوریل امریکا دستور تخلیه امریکائیان از سایگون را صادر نمود آنها به همراه خود هزاران بچه ویتنامی را نیز خارج کردند تا افکار عمومی جهانیان را با طرح مسئله "حمام خون" به انحراف بکشاند به این ترتیب جنایت هولناک دیگری مرتکب شدند.

روزنامه ارتش سایگون نوشت: "جمهوری ویتنام هرگز تسلیم کمونیست ها نخواهد شد." فور در ۲۱ آوریل اعلام کرد: "تا آنجا که برای امریکا مطرح است جنگ به پایان رسیده است. ما دیگر نمی توانیم به ویتنامی ها کمک کنیم. آنها باید با سرنوشتی که در انتظارشان است به مقابله برخیزند."

در این زمان تضادهای درونی دولت دست نشانده سایگون به جدت بی سابقه ای رسیده بود. ژنرال های ارتش سایگون با جنگ و دندان به جان هم افتاده بودند تا از موقعیت به نفع خود استفاده کنند. کائوکی برنامه یک کودتا برای سایگون را در سر می پروراند و ژنرال ها در یک کنفرانس از تیو خواستند که استعفا کند روحیه ارتش سایگون به شدت تضعیف شده بود. سرانجام در ۲۱ آوریل تیو استعفا کرد. او در نطقش علت شکست دولت خود را کاهش کمک های امریکا اعلام کرد. سقوط تیو سقوط کامل سیاست استعمارگرانه امپریالیسم امریکا بود. امریکا هانگ راه جای تیو گمارد، اما دیگر خیلی دیر شده بود. تیو در روز ۲۶ آوریل به همراه ۱۶ تن طلا، نقره، دلار و اشیاء قیمتی به تایوان گریخت و بعد از او بسیاری دیگر از نوکران امریکا راه فرار در پیش گرفتند در طرف مدت کوتاهی بانک های سایگون خالی شدند بزودی جانشین تیو نیز مجبور به استعفا شد.

در روز ۲۶ آوریل سرانجام حمله نهائی ارتش خلق آغاز گردید. توپخانه انقلاب مواضع ارتش سایگون را درهم می کوفت. برنامه ارتش خلق آغاز حمله در روز ۲۷ آوریل و تصرف شهر در ۲۹ آوریل بود. روز ۲۸ آوریل وان مین جای هانگ را گرفت و اعلام کرد: "اسلحه را زمین نخواهیم گذاشت." ارتش خلق وصیت هوشی مین را که گفت: "به پیش پیروزی کامل از آن ماست." عملی می ساخت و

دیگر از رژیم سایگون چیزی باقی نمانده بود. مارتین سفیر امریکا با هلی کوپتر از بام سفارت گریخت و پرچم امریکا برای همیشه در خاک ویتنام فرو افتاد.

ژنرال وان تین دان فرمانده ارتش خلق می نویسد:

بر روی نقشه ۵ شاخه ارتش ما به متاپه ۵ راس یک ستاره بزرگ در شهر به هم می رسیدند. ستاره ای که نام عمو هو بر آن نقش بسته بود. روز ۳۰ آوریل کابینه دولت مزدور سایگون در "کاخ استقلال" تشکیل جلسه داده بود تا هرچه را که بتوانند حفظ کنند اما دیگر چیزی باقی نمانده بود و آنها مجبور شدند به سربازان دستور دهند که اسلحه خود را زمین بگذارند. ارتش آزاد پیخش خلق به شهر وارد شده بود و توده های شهر قیام را آغاز کرده بودند. جو انقلابی سراسر شهر را در خود فرورده بود.

در ساعت ۱۱ و نیم روز ۳۰ آوریل ۷۵، پرچم انقلاب بر فراز "کاخ استقلال" به اهتزاز درآمد و نیروهای انقلابی در این نقطه به هم رسیدند. سایگون کاملاً آزاد شده بود. در هانوی تمام مردم به خیابان ها ریخته بودند و یکپارچه شور و شادی بودند. حمله برای آزادی نقاط باقیمانده بسرعت برق انجام یافت و سراسر خاک ویتنام آزاد گردید در مرکز پلین کامپیوتر امریکائی که مدارک ارتشیان را ضبط می کرد هنوز در حال کار بود. اما نیروی خلق به تکنولوژی امریکائی فائق آمده بود. وقتی در کاخ ریاست جمهوری و اطاق فرماندهان وابسته به امریکا گشوده شد "رئیس جمهور" سراسیمه جلوی در دیده گفت: "ما آماده ایم که برای انتقال قدرت مذاکره نمائیم."

و سرباز انقلابی با خونسردی پاسخ داد: "شما قدرتی ندارید که برای انتقال آن بخواهید مذاکره کنید."

چند روز بعد له دوان، جیپ و رئیس جمهور تون داک تون و سایر رهبران حزب به شهر هوشی مین پرواز کردند. رفیق له دوان در حالیکه دستمالی به دست داشت و اشک خود را پاک می کرد در زیر آفتاب درخشان شهر هوشی مین قدم از پلکان هواپیما پائین گذاشت. جای عمو هو خالی بود. عمو هوئی که سالها انقلاب ویتنام را رهبری کرده بود و پیروزی های پی در پی رسانده بود. عمو هوئی که سایگون به افتخارش هوشی مین نام گرفته بود.

روز بعد سراسر ویتنام اول ماه مه روز جهانی کارگران را در میهن آزاد شده خود جشن گرفت. پیروزی انقلاب ویتنام و شکست امپریالیسم امریکا کارگران و زحمتکشان سراسر جهان را غرق در شادی کرد. خلق های ستمدیده جهان پیروزی ویتنام را به مثابه پیروزی خود می دیدند. آری امپریالیسم امریکا سرانجام شکست خورده بود و انقلاب ویتنام سرفصل نویینی در مبارزات کشورهای سوسیالیستی خلق های جهان و طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری ایجاد کرده بود. دوره افول کامل امریکا فرا رسیده بود و سوسیالیسم در جهان گامی دیگر به پیش برداشته بود.

(در شماره آینده نظری بر تحولات پنج ساله جامعه ویتنام خواهیم افکند)

ادامه دارد

### پیام به هواداران

تبلیغات همه جانبه و زهرآگینی علیه نیروهای انقلابی سازمان داده شده است هدف این تبلیغات دامن زدن به پراکندگی ها و از بین بردن مرز دوستان و دشمنان مردم است. در چنین شرایطی رساندن اطلاعات و اخبار صحیح و واقعی به مردم و شناساندن چهره واقعی دوستان و دشمنان مردم به توده ها یک وظیفه عاجل و مبرم است.

به میان مردم بروید، حقایق را برای آنها توضیح دهید! به هر وسیله که امکان دارید، بیانیه ها، اعلامیه ها و مقالات نشریه "گار" را با توجه به شرایط محلی و سطح آگاهی توده ها تکثیر کرده و به دست مردم برسانید. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

### با جمع آوری کمکهای مالی

سازمان را در پیشبرد

### جنبش انقلابی خلق حمایت کنیم

جنبش انقلابی خلق های قهرمان ایران تنها به حمایت و پشتیبانی مردم میهنان استوار است. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در اجرای وظایف عظیم انقلابی که بر عهده وی قرار گرفته است اکنون بیش از پیش به کمک های مالی هم میهنان و هواداران سازمان نیاز مبرم دارد.

با جمع آوری کمک های مالی، سازمان را در پیشبرد جنبش انقلابی خلق حمایت کنید.

هنگام پرداخت پول حرف اول نام خود را همراه با عددی دلخواه که انتخاب می کنید به سازمان بدهید. کد مبلغ به همراه حرف اول نام شما در نشریه "گار" چاپ خواهد شد تا شما از رسیدن کمک هایتان به سازمان مطلع شوید.

### کمکهای مالی دریافت شده

ردیف	نام	مبلغ	ردیف	نام	مبلغ
۱	...	...	۱۰	...	...
۲	...	...	۱۱	...	...
۳	...	...	۱۲	...	...
۴	...	...	۱۳	...	...
۵	...	...	۱۴	...	...
۶	...	...	۱۵	...	...
۷	...	...	۱۶	...	...
۸	...	...	۱۷	...	...
۹	...	...	۱۸	...	...
۱۰	...	...	۱۹	...	...
۱۱	...	...	۲۰	...	...
۱۲	...	...	۲۱	...	...
۱۳	...	...	۲۲	...	...
۱۴	...	...	۲۳	...	...
۱۵	...	...	۲۴	...	...
۱۶	...	...	۲۵	...	...
۱۷	...	...	۲۶	...	...
۱۸	...	...	۲۷	...	...
۱۹	...	...	۲۸	...	...
۲۰	...	...	۲۹	...	...
۲۱	...	...	۳۰	...	...
۲۲	...	...	۳۱	...	...
۲۳	...	...	۳۲	...	...
۲۴	...	...	۳۳	...	...
۲۵	...	...	۳۴	...	...
۲۶	...	...	۳۵	...	...
۲۷	...	...	۳۶	...	...
۲۸	...	...	۳۷	...	...
۲۹	...	...	۳۸	...	...
۳۰	...	...	۳۹	...	...
۳۱	...	...	۴۰	...	...
۳۲	...	...	۴۱	...	...
۳۳	...	...	۴۲	...	...
۳۴	...	...	۴۳	...	...
۳۵	...	...	۴۴	...	...
۳۶	...	...	۴۵	...	...
۳۷	...	...	۴۶	...	...
۳۸	...	...	۴۷	...	...
۳۹	...	...	۴۸	...	...
۴۰	...	...	۴۹	...	...
۴۱	...	...	۵۰	...	...
۴۲	...	...	۵۱	...	...
۴۳	...	...	۵۲	...	...
۴۴	...	...	۵۳	...	...
۴۵	...	...	۵۴	...	...
۴۶	...	...	۵۵	...	...
۴۷	...	...	۵۶	...	...
۴۸	...	...	۵۷	...	...
۴۹	...	...	۵۸	...	...
۵۰	...	...	۵۹	...	...
۵۱	...	...	۶۰	...	...
۵۲	...	...	۶۱	...	...
۵۳	...	...	۶۲	...	...
۵۴	...	...	۶۳	...	...
۵۵	...	...	۶۴	...	...
۵۶	...	...	۶۵	...	...
۵۷	...	...	۶۶	...	...
۵۸	...	...	۶۷	...	...
۵۹	...	...	۶۸	...	...
۶۰	...	...	۶۹	...	...
۶۱	...	...	۷۰	...	...
۶۲	...	...	۷۱	...	...
۶۳	...	...	۷۲	...	...
۶۴	...	...	۷۳	...	...
۶۵	...	...	۷۴	...	...
۶۶	...	...	۷۵	...	...
۶۷	...	...	۷۶	...	...
۶۸	...	...	۷۷	...	...
۶۹	...	...	۷۸	...	...
۷۰	...	...	۷۹	...	...
۷۱	...	...	۸۰	...	...
۷۲	...	...	۸۱	...	...
۷۳	...	...	۸۲	...	...
۷۴	...	...	۸۳	...	...
۷۵	...	...	۸۴	...	...
۷۶	...	...	۸۵	...	...
۷۷	...	...	۸۶	...	...
۷۸	...	...	۸۷	...	...
۷۹	...	...	۸۸	...	...
۸۰	...	...	۸۹	...	...
۸۱	...	...	۹۰	...	...
۸۲	...	...	۹۱	...	...
۸۳	...	...	۹۲	...	...
۸۴	...	...	۹۳	...	...
۸۵	...	...	۹۴	...	...
۸۶	...	...	۹۵	...	...
۸۷	...	...	۹۶	...	...
۸۸	...	...	۹۷	...	...
۸۹	...	...	۹۸	...	...
۹۰	...	...	۹۹	...	...
۹۱	...	...	۱۰۰	...	...

### مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم امریکا

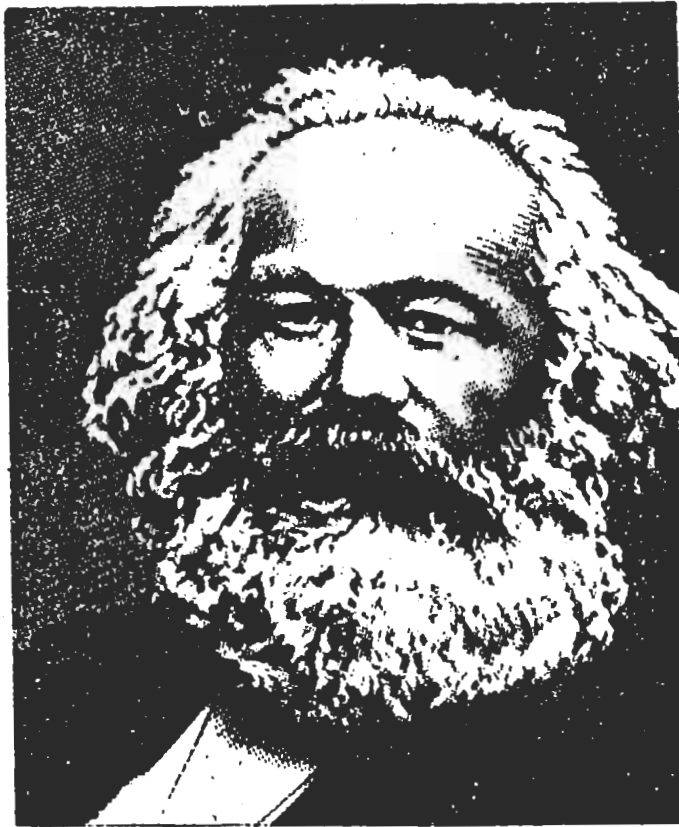


بمناسبت سالگرد تولد کارل مارکس

# "کارگران سراسر جهان یک دشمن مشترک دارند:"

## سرمایه‌داری

- همچنانکه سرمایه نیروئی جهانی است و مرز ملی نمی‌شناسد، طبقه کارگر نیز بمثابة گورکن سرمایه‌داری طبقه‌ای است که در تمام کشورها منافع مشترک و یکسانی دارد و برای هدف مشترک - ساختمان جامعه بی‌طبقه - مبارزه می‌کند. طبقه کارگر سراسر جهان یک دشمن مشترک دارد و متحداً علیه آن مبارزه می‌کند.



۱۵ اردیبهشت ( ۵ مه ) سالروز تولد کارل مارکس، بنیانگذار مارکسیسم و رهبر کارگران جهان است. ۱۶۲ سال پیش مارکس در شهر تریر آلمان به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدائی و متوسطه‌اش را در زادگاه خود به پایان برد و سپس به دانشگاه بن وارد شد. مارکس به آموزش حقوق پرداخت و در سال ۱۸۴۱ در رشته فلسفه فارغ التحصیل شد. در این زمان مارکس هگل‌گرا بود و باعده ای از روشنفکران محفلی ایجاد کرده بود. وی در اکتبر ۱۸۴۲ به سردبیری روزنامه "راین" انتخاب شد. این روزنامه تحت سردبیری مارکس چهره‌ای انقلابی به خود گرفت. اما دیری نپایید که دیو سانور به سراغ آن آمد و سرانجام دولت از انتشار آن جلوگیری کرد.

به حق به نام وی موسوم است. و بدین سان، سوسیالیسم علمی، اندیشه‌های علمی طبقه کارگر با نام مارکس عجین شد. و به درستی مارکسیسم نام گرفت. مارکس که از سال ۱۸۴۵ به عنوان یک انقلابی بی‌

مارکس در سال ۱۸۴۳ با دوست دوران کودکی خود "ژنی فن وستفالن" ازدواج کرد و در پائیز همان سال راهی پاریس شد تا به انتشار یک مجله انقلابی بپردازد. در سپتامبر ۱۸۴۴ انگلس برای چند روز به پاریس آمد و از آن پس پیوند فکری استوار آن دو تا دم مرگ ادامه یافت. این دوررق انقلابی در مبارزات گروه‌های انقلابی پاریس شرکت فعال داشتند و در مبارزه‌های بی‌امان علیه مکاتب گوناگون خرده بورژوازی تئوری سوسیالیسم علمی را تدوین نمودند. با آنکه مارکس و انگلس تئوری سوسیالیسم علمی را به کمک یکدیگر تدوین نمودند اما سهم مارکس در آن شایان اهمیت ویژه‌ای است. انگلس خود در این باره می‌گوید: "آنچه که مارکس انجام داده است من هرگز نمی‌توانستم انجام دهم. مارکس از همه ما بالاتر بود. دورتر از همه ما دید و بیشتر و سریعتر از همه ما امان نظر می‌کرد. مارکس نابغه بود و ما حداکثر صاحب قریحه بوده‌ایم. بدون او تئوری ما به هیچ وجه آن چیزی نبود که اکنون هست. لذا این تئوری

راه آینده را روشن تر ساخته و اندیشه‌های خود را تکامل و غنا بخشید و چنین بود که "جنگ داخلی در فرانسه" و ... را به نگارش درآورد. کمون مظهر اراده طبقه کارگر و سمبول انترناسیونالیسم پرولتری بود.

مارکس نشان داد که سرمایه‌داری در آغاز پیدایش خود با متحد ساختن ایالت‌های فئودال نشین، ملت‌ها را به وجود آورد اما با رشد خود و حتی در جریان ظهور خود، عرصه ملی را

بخشیدند و تکامل دادند. دیری نپایید که انقلاب شکست خورده و ضد انقلاب حاکم شد. مارکس به محاکمه کشیده شد و به پاریس تبعید شد. اما به زودی و پس از تظاهرات ۱۴ ژوئن از پاریس تبعید شد و به لندن رفت و بیشتر زندگی را در همانجا

گذراند. اعتلای مبارزات انقلابی در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ به بار دیگر مارکس را به پهنه مبارزه طبقاتی فراخواند. در سال ۱۸۶۴ "جمعیت رفاقت بین‌المللی کارگران" (انترناسیونال اول) بنیان گذاشته شد. مارکس روح و جان این سازمان بود و نخستین پیام‌ها و قطعنامه‌ها و بیانیه‌های این سازمان را به نگارش درآورد. کمون پاریس، اولین دولت کارگری جهان توجه مارکس را کاملاً به خود معطوف نمود. مارکس کوشش نمود با درگیری از تجارب و ضعف‌های کمون

● در سالهای ۴۹-۱۸۴۸ سراسر اروپا را امواج پی در پی انقلاب فرا گرفت. مارکس و انگلس با استفاده از تجربه غنی از انقلاب در این سالها اندیشه علمی خود را تعمیق بخشیدند و تکامل دادند.

گذراند. اعتلای مبارزات انقلابی در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ به بار دیگر مارکس را به پهنه مبارزه طبقاتی فراخواند. در سال ۱۸۶۴ "جمعیت رفاقت بین‌المللی کارگران" (انترناسیونال اول) بنیان گذاشته شد. مارکس روح و جان این سازمان بود و نخستین پیام‌ها و قطعنامه‌ها و بیانیه‌های این سازمان را به نگارش درآورد. کمون پاریس، اولین دولت کارگری جهان توجه مارکس را کاملاً به خود معطوف نمود. مارکس کوشش نمود با درگیری از تجارب و ضعف‌های کمون

"خطرناک" از آلمان تبعید شده بود به بروکسل رفت و در بهار سال ۱۸۴۷ به همراه انگلس به جامعه سوسیالیستی "اتحادیه کمونیستها" پیوست. آنها به دنبال کنگره دوم اتحادیه اثر مشهور خود "مانیفست حزب کمونیست" را منتشر ساختند که در آن برای نخستین بار اصول ایدئولوژی مارکسیستی را مدون کرده بودند. در سالهای ۴۹-۱۸۴۸ سراسر اروپا را امواج پی در پی انقلاب فراگرفت. مارکس و انگلس با استفاده از تجربه غنی انقلاب در این سالها اندیشه علمی خود را تعمیق

می‌کنند، بدل می‌شود و لنین ادامه دهنده راه او - نشان داد که این خصلت با تحول سرمایه‌داری رفاقت آزاد به امپریالیسم آشکارتر، قطعی و جهانی می‌شود. اما این تنها یک وجه ظهور تکامل سرمایه‌داری است. وجه دیگر و متضاد آن ظهور رشد و تکامل طبقه کارگر به مثابه طبقه‌ای است که درست به علت جایگاهش در تولید اجتماعی رسالت نابودی سرمایه‌داری را بعهده دارد. همچنانکه سرمایه نیروئی جهانی است و مرز ملی نمی‌شناسد، طبقه کارگر نیز به مثابه گورکن سرمایه‌داری طبقه‌ای است که در تمام کشورها منافع مشترک و یکسانی دارد و برای هدف مشترک - ساختمان جامعه بی‌طبقه - مبارزه می‌کند. همچنانکه تمام حکومت‌های سرمایه‌داری جهان علیه کارگران متحدند، طبقه کارگر نیز در جهان یک دشمن مشترک دارد و متحداً علیه آن مبارزه می‌کند. مارکس با درک توان عینی و بالقوه طبقه کارگر و رسالت تاریخی آنان بود که شعار "کارگران جهان متحد شوید!" را مطرح ساخت. مارکس از همان آغاز تأکید می‌کرد که پیکار طبقه کارگر علیه سرمایه‌داران هرچند در آغاز از نظر شکل ملی باشد از نظر محتوای بین‌المللی است. اگر چه همبستگی بین‌المللی کارگران در مبارزه با بقیه در صفحه ۱۱

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی نظامی، فرهنگی



# کارگران سراسر جهان ...

بقیه از صفحه ۱۰

استثمارگران از همان آغاز ظهور طبقه کارگر و شروع مبارزه طبقاتی آنان وجود داشته، اما انترناسیونالیسم پرولتری به متابعد ثولوزی علمی بیانگر وحدت منافع طبقه کارگر ملت‌های مختلف تنها با پیدایش مارکسیسم به وجود آمد. با پیدایش مارکسیسم طبقه کارگر به عنوان یک نیروی واحد بین‌المللی به سلاح منوی واحدی در مبارزه با دشمن واحد مسلح شد.

انقلاب کمون پاریس خصلت انترناسیونالیستی این نوع انقلاب‌ها را به خوبی نشان داد. در حالی که سرمایه‌داران فرانسه که در جنگ با آلمان بودند این کشور را از ترس انقلاب به سرمایه‌داران آلمان تسلیم کرده بودند، کارگران فرانسوی می‌گفتند:

"برادران آلمانی! جدائی ما تنها نتیجه اش پیروزی کامل استبداد در هر دو طرف راین است. کارگران همه کشورها! کوشش مشترک ما به هر کجا برسد در این لحظه ما اعضاء اتحادیه بین‌المللی کارگران که مرز برایمان معنی ندارد، آرزوها و سلاح‌های کارگران فرانسوی را به منزله عهد همبستگی گسست ناپذیر به سوی شما می‌فرستیم." و کارگران آلمان در پاسخ به آنها نوشتند:

"با توجه به شعار اتحادیه بین‌المللی کارگران: "پرولتاریای همه کشورها متحد شوید" ما فراموش نخواهیم کرد که کارگران همه کشورها دوستان ما و مستبدان همه کشورها دشمنان ما می‌باشند."

کمون خصصت انترناسیونالیستی خود را حتی در ترکیب نمایندگان و مدافعینش نیز نشان داد. وزارت کار به عهده یک کارگر آلمانی و نیروهای مسلح در تحت رهبری دومین پرست لهستانی قرار گرفت. لهستانی‌ها، چک‌ها، آلمانی‌ها و روس‌ها به همراه فرانسویان در سنگرهای کمون جنگیدند. کارگران انگلستان و آلمان و ایتالیا و روسیه برای همبستگی با کمون تظاهرات و میتینگ

برگزار کردند. علیرغم شکست کمون و شهادت حدود ۲۰ هزار نفر از مبارزین، اما درس‌های گرانمای آن برای طبقه کارگر بسیار ارزشمند بود. بطوری که به جرات می‌توان گفت: پیروزی انقلاب اکتبر بدون تجربیات کمون پاریس امکان پذیر نمی‌بود.

● پیام انقلاب کمون پاریس:  
"ما فراموش نخواهیم کرد که کارگران همه کشورها دوستان ما و مستبدان همه کشورها دشمنان ما می‌باشند."

ادامه فعالیت سازمان انترناسیونال اول در اروپا بعد از شکست کمون دیگر ممکن نبود و مارکس از کنگره انترناسیونال در لاهه (۱۸۷۲) انتقال شورای کل انترناسیونال به آمریکا را عملی نمود. کارسنگین در انترناسیونال و کارسنگین تر تئوریک، سلامتی مارکس را به خطر انداخت اما علیرغم این او سعی داشت کتاب

لنین با تحلیل دقیق و علمی دوران جدید به وحدت منافع پرولتاریای جهانی و خلق‌های تحت سلطه و ستم امپریالیسم در مبارزه با دشمن واحد پی برد و شعار "پرولتاریای همه کشورها و خلق‌های ستمدیده متحد شوید!" را که منطبق بر اوضاع دوران جدید بود مطرح ساخت. این شعار بیان

● شعار لنین که منطبق بر اوضاع دوران جدید بود  
محتوای انترناسیونالیسم را عمیق‌تر ساخت. لنین اعتقاد داشت:  
"پرولتاریای همه کشورها و خلق‌های ستمدیده متحد شوید!"

عمیق‌تر شدن محتوای انترناسیونالیسم و گسترده‌تر شدن میدان عمل آن و تقویت نیروهای انقلاب جهانی از یک طرف و انفراد و ضعف نیروهای ضدانقلاب جهانی - امپریالیسم و ارتجاع - و تنگ‌تر شدن میدان عمل آنها از طرف دیگر بود. پیدایش اردوگشاه سوسیالیستی پس از جنگ جهانی دوم با زهم محتوا و

● شعار لنین که منطبق بر اوضاع دوران جدید بود  
محتوای انترناسیونالیسم را عمیق‌تر ساخت. لنین اعتقاد داشت:  
"پرولتاریای همه کشورها و خلق‌های ستمدیده متحد شوید!"

میدان عمل انترناسیونالیسم پرولتری را - که مارکس بنیانگذار آن بود، غنی‌تر ساخته و شکل نوینی از آن را به ارمغان آورد. انترناسیونالیسم سوسیالیستی بیانگر روابط بین کشورهای سوسیالیستی می‌باشد و از وحدت ایدئولوژیک، یکسانیت نظام‌های اجتماعی، اشتراک منافع بنیادی آنها در مبارزه با امپریالیسم و کوشش برای ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم و بالاخره حرکت در جهت هم‌پیوندی و اشتراک و یگانگی اقتصادی که طلبه اقتصاد واحد جهانی آینده است سرچشمه می‌گردد. نیروهای انقلاب جهانی در این مرحله جدید از دوران ما عبارتند از:

کاپیتال را به پایان برساند. او سخت در این راه تلاش می‌نمود. اما بیماری به او مجال نداد و در منتهای فقر و تنگدستی بالاخره در روز ۱۴ مارس ۱۸۸۳ در روی صندلی خویش آرام درگذشت. اما اندیشه‌های مارکسیسم هر روز ابعاد گسترده‌تری یافت و راه مبارزات طبقه کارگر را روشن‌تر نمود. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر اولین انقلاب سوسیالیستی پیروزمند جهان درستی و حقانیت تاریخی اندیشه‌های مارکس را به ثبوت رسانید. لنین به عنوان مدافع جامعیت مارکسیسم و تکامل دهنده خلاق آن و بیان کننده این اندیشه علمی در عمل، انقلاب روسیه را هدایت نمود و به پیروزی رسانید.

اردوگاه سوسیالیسم جهانی، طبقه کارگر بین‌المللی و نهضت‌های آزادپخش ملتی. این سه نیرو از آنجا که در مقابل دشمن مشترک، امپریالیسم جهانی و ارتجاع - قرار دارند جریان بطور عینی واحد و یکپارچه‌ای را تشکیل می‌دهند. روند انقلاب جهانی را مبارزه این سه نیرو با ضدانقلاب جهانی تشکیل می‌دهد.

این است چکیده آموزش مارکسیسم - لنینیسم در عصر ما. تکامل تاریخ رسالت‌های تمام جامعه بشری را از قید تمام بندگی‌ها به عهده طبقه کارگر قرار داده است. یعنی دوران ما دورانی است که تنها کسانی می‌توانند واقعا میهن پرست و خواهان منافع واقعی اکثریت ملت باشند که انترناسیونالیست باشند. دوران ما دورانی است که هر گونه مقدم شمردن ناسیونالیسم بر انترناسیونالیسم منجر به امتیاز دادن به سواپه دار خودی و سپس وابستگی به امپریالیسم بین‌المللی می‌شود. دوران ما دورانی است که دل بستن به کسب استقلال واقعی بدون در نظر داشتن چشم‌انداز سوسیالیسم و کمونیسم و مبارزه هم‌زمان در راه آن یک اتویی و خیال محض است.

اکنون با وجود اینکه بیش از صدسال از پیدایش مارکسیسم در عرصه اندیشه و مبارزه طبقاتی می‌گذرد، اصول جهانشمول آن پیوسته نازکی و طراوت بیشتیری می‌یابد و درستی و حقانیت آن بیش از پیش آشکار گشته است. مارکسیسم و در عصر ما مارکسیسم - لنینیسم - یک تئوری صرف نیست، بلکه علم پیروزی طبقه کارگر علم‌رهای انسان‌و علم استقرار سوسیالیسم است.

این است رمز موفقیت مارکسیسم که دشمنی تمامی غارتگران و استثمارکنندگان جهان و کلیه مرتجعین را به خود متوجه ساخته بطوری که تاب تحمل آن راندارند. این است که نام مارکس و اندیشه‌های او همواره جاودان خواهد بود.

## قبر کنی راه حل "انقلابی"

### شورای انقلاب برای مشکل بیکیاری

صبح شنبه ۱۶ فروردین ۵۹ گروهی از کارگران بیکار پس از مراجعات مکرر جلوی استانداری اجتماع نمودند. معاون سیاسی استاندار می‌گوید که ما نمی‌توانیم کاری برای شما انجام دهیم. کارگران که حدود ۲۰۰ نفر بودند، به سوی نخست وزیر راهپیمایی می‌کنند. در طول مسیر کارگران شعارهایی از قبیل:

"بنی صدر اینی صدر او مده وعید نون نمیشه - کار باید ایجاد بشه" و "با جنگیدیم و خون دادیم، چرا هنوز بیکاریم!" را می‌دادند. چند لحظه پس از اجتماع این کارگران، بیکار جلوی نخست وزیر حدود ۳۰۰ کارگر بیکار دیگر به آنها پیوستند و پس از آن گروهی از خانواده‌های شهدای "انقلاب" با زن و بچه به منظور گرفتن مسکن و مخارج زندگی به اجتماع کنندگان پیوستند. مشاور رئیس جمهور از بلندگوی داخل ساختمان اجتماع - کنندگان را تهدید نمود پس از تهدیدات مشاور رئیس جمهور، پاسداران مستقر در محل خواستند که دونفر از کارگران آگاه را که به تشریح وضع موجود پرداخته بودند، دستگیر کنند اما مقاومت کارگران نقشه آنها را نقش بر آب کرد. یکی از کارگران آگاه وضع خود را برای اجتماع کنندگان تشریح کرد و گفت: "در پی مراجعات مکرر، دو سه روز ما را فرستادند بهشت زهرا که قبر بکنیم و از این طریق برای چند روزی مشغول کار شدیم. گویا در حکومت جمهوری اسلامی تنها شغلی که از رونق نیفتاده، شغل قبر کنی است. معلوم است وقتی که می‌بینیم اجتماع کارگران بیکار در دورود و اندیمشک و بندرعباس، ماهشهر و نوشهر به خون کشیده می‌شود، وقتی دانشجویان دانشگاهها را کشتار می‌کنند و خلق کرد و ترکمن توسط ارتش و سپاه پاسداران کشتار می‌شوند طبیعی است که شغل قبر کنی انقلاب تصمیم دارد مشکل بیکاری را به این صورت حل کند!!"

# با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا



افشاری کارکنان بانک مرکزی ایران

چگونه بعضی از مقامات مسئول

درآمد نفت را به حساب شخصی خود از کشور خارج می کنند؟

کارکنان مبارز بانک مرکزی اخیراً ارقامی را منتشر کرده اند که نشان می دهد چگونه ثروت ملی مردم زحمتکش ما به خارج منتقل می شود و چگونه در حالیکه زحمتکشان ما از گرانی رنج می برند، ثروت آنها به غارت می رود. ما عین این سند را چاپ می کنیم:

ملت قهرمان ایران! یکبار دیگر وظیفه خود می دانیم که مطالب مربوط به غارت بیت المال مردم ستمدیده این سرزمین را به اطلاع همگان برسانیم. هفته پیش در شورای انقلاب، آقایان آیت اله بهشتی و موسوی اردبیلی قسم خوردند که نه ایشان و نه آقایان خامنه ای و جمران و رفسنجانی حتی یک ریال هم به صورت ارز از کشور خارج نکرده اند و بدین ترتیب ظاهراً به شایعات اخیر

به خیال خود پایان دادند. آری! آنها راست می گویند چون اسم آنها در هیچیک از حواله های ارزی یکسال اخیر دیده نمی شود ولی همکاران ما بدانند که حواله های زیر که با امضای

آقای معین فر و از محل درآمدهای ارزی نفت برای گسترش اسلام به خارج صادر می شود، پس از رسیدن به مقصد بلافاصله به حساب های شخصی آقایان نامبرده در بانک های اروپائی منتقل می شود

حواله

۱۷ اوت ۱۹۷۹	انجمن اسلامی مونتreal	۶۷۳۲۹	۲۰۰۰۰۰۰	دلار کانادا
۲۱ اوت ۱۹۷۹	مسجد و مرکز اسلامی هامبورگ	۲۵۷۳۱	۶۲۴۰۰۰۰	مارک
۲ اکتبر ۱۹۷۹	کمک به آوارگان جنوب لبنان	۹۷-الف	۱۱۰۰۰۰۰۰	لیبره
۳۰ اکتبر ۱۹۷۹	مبلغین اسلامی مونیخ و یاواریا	۲۵۹۰۲	۳۰۵۰۰۰۰	مارک
۳۱ اکتبر ۱۹۷۹	مساجد و مراکز اسلامی اسکانندیناوی	۷۳۰	۱۶۰۰۰۰۰۰	اکرون سوئد
۱۹ دسامبر ۱۹۷۹	مسجد و مرکز اسلامی هامبورگ	۲۵۹۸۴	۸۰۰۰۰۰۰	مارک
۲۷ دسامبر ۱۹۷۹	دفتر نهضت های آزادبخش (پاریس)	۱۱-۴۷۹۷	۲۴۸۰۰۰۰۰	فرانک
۱۶ فوریه ۱۹۸۰	دفتر نهضت های آزادبخش (پاریس)	۱۱-۴۸۰۹	۱۱۰۰۰۰۰۰	فرانک
۱۱ مارس ۱۹۸۰	دفتر جدائی خواهان فیلیپین (پاریس)	۱۱-۴۹۱۱	۶۵۰۰۰۰۰	فرانک
۱۴ مارس ۱۹۸۰	نیروی هوائی سوریک (بانک لبنان)	۱۰۶-الف	۲۱۷۰۰۰۰۰۰	لیبره
۱۹ آوریل ۱۹۸۰	مسجد و مرکز اسلامی هامبورگ	۲۶۳۲۱	۸۰۰۰۰۰۰	مارک

اعلامیه انجمن کارکنان بانک مرکزی ایران  
اعلامیه شماره (۲) ۱۳۵۹/۲/۲

ملت قهرمان ایران! یکبار دیگر وظیفه خود می دانیم که مطالب مربوط به غارت بیت المال مردم ستمدیده این سرزمین را به اطلاع همگان برسانیم. هفته پیش در شورای انقلاب، آقایان آیت اله بهشتی و موسوی اردبیلی قسم خوردند که نه ایشان و نه آقایان خامنه ای و جمران و رفسنجانی حتی یک ریال هم به صورت ارز از کشور خارج نکرده اند و بدین ترتیب ظاهراً به شایعات اخیر که حواله های ارزی یکسال اخیر دیده نشده ولی همکاران نامبرده در بانک های اروپائی منتقل می شود

۱۷ اوت ۱۹۷۹	انجمن اسلامی مونتreal	۶۷۳۲۹	۲۰۰۰۰۰۰	دلار کانادا
۲۱ اوت ۱۹۷۹	مسجد و مرکز اسلامی هامبورگ	۲۵۷۳۱	۶۲۴۰۰۰۰	مارک
۲ اکتبر ۱۹۷۹	کمک به آوارگان جنوب لبنان	۹۷-الف	۱۱۰۰۰۰۰۰	لیبره
۳۰ اکتبر ۱۹۷۹	مبلغین اسلامی مونیخ و یاواریا	۲۵۹۰۲	۳۰۵۰۰۰۰	مارک
۳۱ اکتبر ۱۹۷۹	مساجد و مراکز اسلامی اسکانندیناوی	۷۳۰	۱۶۰۰۰۰۰۰	اکرون سوئد
۱۹ دسامبر ۱۹۷۹	مسجد و مرکز اسلامی هامبورگ	۲۵۹۸۴	۸۰۰۰۰۰۰	مارک
۲۷ دسامبر ۱۹۷۹	دفتر نهضت های آزادبخش (پاریس)	۱۱-۴۷۹۷	۲۴۸۰۰۰۰۰	فرانک
۱۶ فوریه ۱۹۸۰	دفتر نهضت های آزادبخش (پاریس)	۱۱-۴۸۰۹	۱۱۰۰۰۰۰۰	فرانک
۱۱ مارس ۱۹۸۰	دفتر جدائی خواهان فیلیپین (پاریس)	۱۱-۴۹۱۱	۶۵۰۰۰۰۰	فرانک
۱۴ مارس ۱۹۸۰	نیروی هوائی سوریک (بانک لبنان)	۱۰۶-الف	۲۱۷۰۰۰۰۰۰	لیبره
۱۹ آوریل ۱۹۸۰	مسجد و مرکز اسلامی هامبورگ	۲۶۳۲۱	۸۰۰۰۰۰۰	مارک

از آنجا که هزاران حواله در هر ماه به خارج می رود و تحت عنوان های مختلف ثبت می شوند، لذا ممکن است حواله های دیگری نیز تحت حواله های دیگر ثبت شده باشد.

اعلامیه شماره (۴) انجمن کارکنان بانک مرکزی ایران ۷ اردیبهشت ۱۳۵۹

نام های موجه فرهنگی و اقتصادی نیز به جیب آقایان سرازیر شود که پس از تحقیق و ردیابی نسبت به افشای آنها اقدام خواهد شد.

از آنجا که هزاران حواله در هر ماه به خارج می رود و تحت عنوان های مختلف ثبت می شوند، لذا ممکن است حواله های دیگری نیز تحت حواله های دیگر ثبت شده باشد.

# اعتراض کارکنان دولت به سیاست اختناق و سرکوب

در حالیکه برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، وحدت انقلابی، هماهنگی و طبقات خلق ضروری است، به توجیه سیاست سرکوب و اختناق پرداخته اند

- مجمع عمومی نمایندگان شورای کارکنان شرکت مخابرات ایران
- شورای مرکزی کانون کارکنان وزارت کشاورزی و عمران روستایی
- جامعه کارکنان مرکز آمار ایران
- کانون کارکنان ترقیخواه بانک مرکزی ایران
- کارکنان متعهد و مبارز وزارت کشور
- کانون آزاد کارکنان بانک تهران (بانک ملت)
- شورای کارکنان نظامی ایمنی هسته ای (سازمان انرژی اتمی)
- گروهی از کارکنان اخراجی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

باز خرید اجباری تمامی همکاران مبارز و اعاده حیثیت آنها بطور رسمی، تصفیه ادارات متخو سازمان ها از عناصر ساواک و عوامل مزدور و سرسپرده به رژیم گذشته که در جنایت و خیانت به ملت ایران شرکت داشته اند، و مجازات مسببین سرکوب مبارزات و حق طلبان انقلابی می باشیم و ادامه بی توجهی مسئولان به موارد یاد شده را عاملی در جهت گسترش و تعمیق ناراضگی ملت مبارز ایران و انحراف حرکت سازنده و انقلابی کارکنان ادارات و سازمانها تلقی می نمائیم.

- جامعه کارکنان سازمان برنامه و بودجه

و مقابله و پایداری در قبال اقدامات سرکوبگرانه مسئولان می گذرد و علیرغم تمامی ادعاها، هیچگونه اقدام راستینی در جهت دادخواهی این گروه از همکاران ما به عمل نیامده است و در مقابل به ادامه و توجیه سیاست گسترش اختناق و سرکوب پرداخته اند.

با وجود طرح مسائل و موارد فوق باریاست جمهوری و ارگان های مسئول تاکنون هیچگونه نتیجه مثبتی عاید نگردیده است. بنابراین ما کارکنان سازمان های زیر مصراغه خواستار آزادی فوری همکاران مبارز بازداشت شده لغو احکام انفصال، اخراج، تعلیق، بازنشستگی و

موقعیت نیز برای انحلال نهادهای مردمی استفاده نموده و حرکت ضد امپریالیستی توده مردم را بسوی سرکوب شوراها و اخراج نیروهای مترقی سوق دهند. اکنون مدتی است که از اقدام مسئولان در زمینه اخراج، انفصال، تعلیق، بازنشستگی و باز خرید اجباری و بازداشت موقت عده ای از همکاران مبارز و اعضاء شوراها شرکت مخابرات ایران، وزارت کشور کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سازمان حفاظت محیط زیست و هواپیمائی ملی ایران و ... و بازداشت غیر قانونی تنی چند از همکاران وزارت کشور به اتهام ذکر واقعیات و بیان حقایق

هموطنان مبارز، همکاران! در حالی که مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهنمان با امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلق های محروم جهان هر روز گسترده تر می گردد، در حالی که وحدت انقلابی اقشار و طبقات مختلف مردم لازمه مبارزه با امپریالیسم است، در حالی که باید با تمام قوای خود از طریق توسعه و تشکیل شوراها و مردمی و هر نهاد انقلابی دیگر تمامی عناصر وابسته و مزدور ساواکی و بیژایی رژیم منحن پهلوی را از صفوف خود طرد نموده و صفی نیرومند و سازش ناپذیر برای مقابله با امپریالیسم به وجود بیاوریم لیکن متأسفانه مسئولان می خواهند از این

# زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند





به دعوت ستاد سراسری برگزارکننده مراسم روز جهانی کارگر

## هزاران کارگر به نشانه همبستگی و اتحاد راهپیمایی کردند

تظاهرات همبستگی کارگران در روز اول ماه مه در سراسر ایران برگزار شد. در این روز به دعوت "ستاد سراسری برگزارکننده مراسم روز جهانی کارگر" به نمایندگی بیش از ۳۱ سندیکا و شورا و همچنین تشکل‌های منطقه‌ای، راهپیمایی کارگران از ساعت ۹/۵ صبح از میدان خراسان آغاز شد. در این راهپیمایی هزاران تن از کارگران تهران در صفوفی منظم شرکت کردند. کارگران پلاکاردهائی را که بیانگر اتحاد و همبستگی کارگران ایران علیه امپریالیسم و سرمایه‌داران داخلی و خارجی همبستگی و اتحاد کارگران ایران با کارگران سراسر جهان بود، حمل می‌کردند. شعارهای "بازوی هر کارگر، ستون انقلاب است"، "شورای فرمایشی حامی سرمایه‌دار" "اتحاد، تشکیلات، اساس قدرت ماست"، "با قدرت کارگر، در سنگر شوراها علیه امپریالیسم" در سراسر

مسیر راهپیمایی طنین افکند بود. صف راهپیمایان با منانت و نظم به طرف میدان شهدا و به سمت جاسوسخانه آمریکا پیش می‌رفت. در این بین و در همان آغاز راهپیمایی عده‌ای از عناصر ضد کارگر سعی کردند تا راهپیمایی را متوقف کنند. این عناصر که به وسیله دشمنان طبقه کارگر یعنی سرمایه‌داران و دوستان و جاسوسان امپریالیسم تحریک شده بودند مذبحخانه کوشیدند تا با توسل به آشوب و اخلاص مانع از پیشروی صفوف فشرده و متحد کارگران شوند.

ولی کارگران باز در بازوی یکدیگر و با گام‌های استوار به طرف میدان شهدا پیش رفتند. کارگران تا پایان قرائت قطعنامه راهپیمایی مانع اجرای مقاصد تنگ‌نظرانه اوباش ضد کارگر شدند. قطعنامه ستاد سراسری برگزارکننده مراسم روز

جهانی کارگر، حاوی مهمترین و اساسی‌ترین خواست‌های کارگران و زحمتکشان ایران بود و قبل از هر چیز بر پیشبرد قاطعانه و پیگیرانه مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک مردم میهنمان تکیه داشت. رهوس مضامین قطعنامه‌ها این قرار بود:

"گسترش مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک کارگران و زحمتکشان با اتکاء بر سنگر شوراها قطع هرگونه وابستگی به امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا. تأمین آزادی‌ها و حقوق دموکراتیک توده‌ها، الغاء قوانین ضد کارگری موجود، اجرای ۴۰ ساعت کار طی ۵ روز در هفته کار برای بیکاران و مسکن برای همه زحمتکشان و ... بالاخره تجدید میثاق کارگران و زحمتکشان ایران در اتحاد و همبستگی با کارگران و زحمتکشان سراسر جهان پس از پایان مراسم و

در حالی که کارگران پراکنده می‌شدند، دسته‌های اوباش که موفق به برهم زدن صف راهپیمایی نشده بودند، این بار با حمایت مستقیم پاسداران به کارگران حمله‌ور شدند. پاسداران با شلیک تیرهای هوائی اوضاع را آشفته تر نشان داده و متقابلاً به تحریک اوباش دامن زدند و حتی همراه اوباش به کارگران حمله کردند و کارگران را با ضربات تفنگ به شدت مجروح کردند. کارگران در مقابل این حرکات وحشیانه با شعار "مرگ بر آمریکا، مرگ بر سرمایه‌دار" به اعتراض پرداختند. این راهپیمایی که نشانه‌ای از اتحاد و همبستگی کارگران و زحمتکشان بود، در عین حال جلوه‌ای از تلاش‌های مذبحخانه دشمنان این همبستگی را نیز در خود داشت. تلاش‌های مذبحخانه‌ای که بیانگر وحشت و هراس دشمنان طبقه کارگر از صفوف

متحد آنهاست. در اینجا نمونه‌هایی از دهها پلاکاردی که کارگران با خود حمل می‌کردند، می‌آوریم:

"مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن خلق‌های جهان"

"شوراها سنگر اصلی مبارزه ضد امپریالیستی هستند"

"شوراها مشورتی و فرمایشی خواست سرمایه‌داران است، نه کارگران"

"سرکوب خلق‌ها را در سراسر جهان محکوم می‌کنیم"

"کار فقط ۴۰ ساعت در ۵ روز هفته"

"قانون کار باید به وسیله نمایندگان واقعی کارگران تدوین شود"

"سنگر کارگران علیه امپریالیسم، تنها سنگر شکست‌ناپذیر مبارزه است"

"مستحکم باد اتحاد و همبستگی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان"

در راهپیمایی به مناسبت اول ماه مه

## سرود کارگران در خیابان‌های تبریز طنین افکند

به دعوت "ستاد مشترک برگزار اول ماه مه در تبریز روز پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت راهپیمایی همبستگی کارگران و زحمتکشان" برگزار شد. صبح سه‌شنبه میدان ارک تبریز میعادگاه کارگران و زحمتکشان و روشنفکران انقلابی و ترقیخواه برای برگزاری راهپیمایی اول ماه مه بود. در اس ساعت مقرر برای شروع راهپیمایی میدان ارک از جمعیت موج می‌زد. جمعیت حاضر در صفوف منظم و متشکل راهپیمایی خود را آغاز کرد. کارگران مسئول انتظامات راهپیمایی با بازوبند های قرمز، حفظ نظم را برعهده داشتند. از درون صفوف به هم فشرده و منظم کارگران، شعارها و سرودها با آهنگی محکم و رسا در فضا طنین افکند.

بیرلشین، بیرلشین، کارگر لری - بیرلشاق بیرلشاق دنیانون کارگر لری، بیونوشاق دیرشاق، امریکانین قبرین

قازاق یعنی "متحد شویم متحد شویم کارگران ایران متحد شویم کارگران جهان مبارزه کنیم، متحد شویم گور خود آمریکا را بکنیم". کارگران پلاکاردهائی حمل می‌کردند که بر آن نوشته شده بود:

"ما خواهان قطع تمامی وابستگی‌ها به امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا هستیم" و "مبارزه به امپریالیسم جدا از مبارزه علیه سرمایه‌داری نیست".

صفوف به هم فشرده راهپیمایان از میدان ارک خیابان‌های مسیر را طی کرده و به طرف کنسولگری سابق آمریکا پیش رفت. مردم در پیاده‌روها، پنجره‌ها و بام‌های خانه‌های مجاور سرود و شعارهایی که عزم آهنین کارگران را در براندازی سلطه امپریالیسم بر ایران بیان می‌داشت تکرار می‌کردند. در نزدیکی کنسولگری سابق دستهای از اخلاص کارگران

حرفه‌ای با شعار "حزب فقط حزب الله" به صف کارگران یورش بردند اما با مقاومت کارگران توطئه آنان خنثی شد. در مقابل کنسولگری سابق تهاجم اوباش ضد کارگر شدت یافت ولی کارگران مبارز هشیارانه تهاجم آنان را دفع کردند. فریادهای حقیرانه و تنگ‌نظرانه مشتی اخلاص رسوا در طنین صدای پرشکوه سرودها و شعارهایی چون "اتحاد، اتحاد، زحمتکشان اتحاد علیه امپریالیسم"، "در سنگر کارگر نه سازش نه تسلیم نبردها آمریکا" و ... می‌شنیدند. راهپیمایی همبستگی کارگران و زحمتکشان در طنین سرودهای شکوهمند همبستگی کارگری و با قطعنامه‌ای به مناسبت بزرگداشت عهد جهانی کارگران به پایان رسید.

## اگر تلویزیون از نشان دادن حقایق به مردم نمی‌ترسید،

### از پیشنهاد کارگاه فیلم ایران استقبال می‌کرد

شورای سرپرستی سیمای جمهوری اسلامی ایران در اخبار ساعت ۹/۳۰ دقیقه دوشنبه ۵۹۲/۱ سیمای جمهوری اسلامی اعلام شد که به علت ابری بودن هوا و جو اطراف دانشگاه گروه‌های فیلمبرداری تلویزیون قادر به تهیه فیلم نشدند.

برای کسانی که تا حدودی به کار فیلمبرداری خبری آگاهی دارند این دلایل بقدری بی‌پایه است که نیازی به توضیح ندارد.

"کارگاه فیلم ایران" با امکانات فنی و محدود خود بدون داشتن اکیپ‌های مجهز و هلی‌کوپتر و فرستنده سیار و میلیون‌ها تومان بودجه صرفاً بخاطر تعهدی که برای ثبت لحظات تاریخ‌ساز جنبش خلق‌های قهرمان ایران احساس می‌کند توانست مقدار قابل ملاحظه‌ای از حملات وحشیانه پاسداران مسلح به دانشجویان بی‌دفاع ولی مصمم فیلمبرداری نماید.

چنانچه سیمای جمهوری اسلامی رسماً اعلام نماید که این فیلم‌ها را بدون هیچگونه سانسور از شبکه سراسری پخش می‌نماید یک نسخه از این فیلم در اختیار گروه پخش قرار خواهد گرفت.

کارگاه فیلم ایران  
رونوشت - روزنامه‌های: کیهان - اطلاعات - جمهوری اسلامی  
نشریه کار - نبرد دانشجو - اندیشه آزاد

## پر توان باد جنبش طبقه کارگر پیش‌تاز مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلق‌های ایران



در برگزاری جشن اول ماه مه (روز جهانی کارگر) در سراسر ایران

# سرود میلیونها کارگر ناقوس مرگ سرمایه داری و سلطه امپریالیسم امریکا بود

پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت، اول ماه مه، عید بزرگ کارگران سراسر جهان بود. هر سال در روز اول ماه مه کارگران سراسر جهان، حتی در شرایط اختناق و دیکتاتوری گردهم می آیند، تا اتحاد و همبستگی و رزم انقلابی خود را بر علیه امپریالیسم و سرمایه داری و استثمار، محکم تر و توفنده تر کنند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به مناسبت این روز بزرگ، مراسمی در میدان آزادی برپا کرد.

که تا ساعت ۳/۵ دریاپی از جمعیت در میدان آزادی گرد آمده بودند. مراسم با یاد همه شهدای رزمیده خلق، چه در سالهای گذشته و چه شهدای اخیر دانشگاهها، و اعلام یکدقیقه سکوت آغاز شد و به دنبال آن سرودی توسط گروه کر خوانده شد.

با پایان گرفتن سرود، پیام تبریک سازمان به مناسبت روز جهانی کارگر به تمامی کارگران جهان، اعلام شد. در این حال جمعیت با شور و هیجان شعار می داد: "اتحاد، اتحاد، کارگران اتحاد، علیه امپریالیسم!" "در سنگر کارگر، نه سازش، نه تسلیم، نبرد با امریکا!" آنگاه نوبت به سخنرانی رفیق کارگر، حشمت الله رئیسی رسید.

رفیق حشمت با درود به همه کارگران جهان سخنانش را آغاز کرد و ضمن اشاره ای مختصر به تاریخچه روز جهانی کارگر و مبارزات کارگران در طول سالهای بعد از مبارزات کارگران شنکاگو، به بیان اتحاد و همبستگی طبیعی و ضروری کارگران سراسر جهان پرداخت و گفت: "کسانی که بخواهند

تحت هر شرایطی و با هر چهره ای طبقه کارگر ایران را از متحدین خود در سراسر جهان محروم کنند به این معنا است که می خواهند کارگران را در مقابل سیستم جهانی امپریالیسم و در مقابل تمام دیکتاتورهای جهان خلع سلاح کنند." رفیق حشمت در بخشی دیگر از سخنانش تهاجمات گسترده ای را که این روزها بر علیه شوراهای کارگری و دهقانی اعمال می شود، برشمرد و چنین گفت:

"تا زمانی که این تهاجمات ادامه یابد و تا مادامی که مالکیت زمین در دست زمینداران بزرگ و سرمایه داران وابسته به امپریالیسم است، نمی توان دم از عدالت، مساوات، برادری و یا مبارزه با امپریالیسم زد زیرا که امپریالیسم خارج

از مرزهای ما نیست. امپریالیسم در وجود سرمایه دار و زمیندار متبلور می شود و به خوبی می دانیم که برای تحقق مبارزه با امپریالیسم در تمام زمینه های مختلف، نیاز به آن داریم که شوراهای دهقانی برای ارضای کشور تسلط یابد، شوراهای واقعی کارگری امور کارخانه ها را به دست گیرند.

ادرحین سخنرانی رفیق حشمت، دسته های چاقو دار از پشت میدان با پرتاب سنگ قصد برهم زدن مراسم را داشتند اما رفقای انتظامات و مردم این دسته های مزدور و شکست خورده را به عقب راندند. متأسفانه در این درگیری ها چند تن از رفقای انتظامات و مردم بر اثر اصابت سنگ، مجروح شدند، که بلافاصله به وسیله تیم امداد که در محل حاضر بود، مداوا



## گرامی باد اول ماه مه

سی شدند. چند تن از عناصر اوباش توسط انتظامات بازداشت شدند که از جیبها و زیر لباسهایشان چند عدد کارت و دشنه به دست آمد. مردمی که برای شرکت در جشن روز جهانی کارگر آمده بودند، با شور و اتحاد هرچه بیشتر و با روحیه ای انقلابی عظیم مراسم را حفظ کردند و یکپارچه شعار می دادند: "در سنگر کارگر، نه سازش، نه تسلیم، نبرد با امریکا!" رفیق حشمت در پایان سخنانش از تمامی هواداران طبقه کارگر خواست که در شرایط فعلی هرچه بیشتر به بردن آگاهی به درون طبقه کارگر و ارتقاء بینش طبقاتی آنان، اهتمام ورزند. در ادامه برنامه های مراسم بزرگداشت روز جهانی کارگر رفیق فرخ نگهبان سخنرانی ایراد کرد. ابتدا رفیق از سوی سازمان جشن جهانی روز کارگر را به همه کارگران جهان، تبریک گفت.

رفیق در ادامه سخنان خود چنین گفت: "خلق قهرمان ویتنام ثابت کرد که امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا زبون تر از آن است که در برابر اراده خلقها، قدرت مقاومت و ایستادگی داشته باشد. خلقهایی که در همین ۵ یا ۶ سال گذشته از بند رها شده اند به ما می آموزند که ما پیروز خواهیم شد و جهان را به گورستان امپریالیسم بدل خواهیم کرد. نه روزهای تیره و تاریک گذشته، نه شلاقهای رژیم شاه و نه این هو و جنجالهای روزهای کنونی هیچکدام

قادر نخواهند بود جلوی حرکت تاریخ را بگیرند، پیروزی از آن خلقهاست. طبقه کارگر جهان، زحمتکشان رنجبر جهان، پوزه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا را به خاک خواهند مالید توطئه های امپریالیسم امریکا با شکست مواجه می شود و آن کسانی هم می خواهند این توطئه ها را دامن زنند و آن کسانی هم که می خواهند مبارزات خلق ما را به انحراف کشانند، باید بدانند که اراده رزمنده انقلابیون خلق و اراده رزمنده طبقه کارگر محکم تر از آن است که اجازه دهد این توطئه ها به ثمر برسد. ما در این روز بزرگ، در این روز که تمامی کارگران جهان آنرا جشن می گیرند، یکبار دیگر پیمان می بندیم که تا آخرین قطره خون خود در برابر امپریالیسم جهانی و تمامی عمال داخلی آن نبرد کنیم و تا لحظه پیروزی از پای ننشینیم. همه ی شما توطئه های روزهای اخیر امپریالیسم امریکا را به چشم دیدید. دیدید که آنها هیچکاری نمی توانند بکنند و روز بروز با شکستی بیشتر مواجه می شوند و تمام کسانی هم که مذبوحانه سعی می کنند که این مبارزه توفانزات متوقف شود، آنها هم هیچکاری نمی توانند بکنند. صحنه ای که شما امروز در ایمن میدان می بینید به خوبی بیانگر این واقعیت است که جنبش انقلابی خلق و به اعتلا و گسترش است. شکست مفتضحانه آنهاست که آنسوی میدان فریاد می کشند (اشاره به چماقداران و مزدوران) نشان می دهد که ما پیروز خواهیم شد. دسته های اوباش و رشکته که از همان ابتدای گردهمایی مذبوحانه قصد داشتند مراسم را بهم بریزند، پوسته با پرتاب سنگ می کوشیدند تا بلکه بتوانند توطئه های ضد کارگری و ضد انقلابی خود را عملی سازند. اما با اراده مصمم و مقاومت انقلابی مردم توطئه ها و تهاجمات این عناصر مزدور و اجیر شده های سرمایه داران و ارتجاع خنثی و نقش بر آب می شد. رفیق فرخ نگهبان سخنانش را چنین ادامه داد: "خلق قهرمان کرد روزهای سختی را می گذرانند و

اراده انقلابیون خلق هم رزم و پشتیبان خلق کرد است. ما با این هجوم وحشیانه به کردستان از روز ابتدا، مقابله کرده ایم مخالفت کرده ایم، اعتراض کرده ایم، محکوم کرده ایم و همچنان به مبارزه خود برای پایان دادن به این جنگ تجاوز کارانه ادامه خواهیم داد. ما می پرسیم مگر شهر سنج، مگر شهرهای کردستان، سرزمین دشمن ماست که آنرا بمباران می کنید؟ برای چه؟ این اعمال، این بمبارانها در خدمت چیست؟ چرا باید مردم به خاک و خون کشیده شوند؟ به کجا می خواهید بروید؟ چرا بس نمی کنید؟ اگر فکر می کنید که زیر فانتومها، زیر بمباران هلی کوپتر، خلق کرد از پای در خواهد آمد، اشتباه کرده اید. شما قطعاً شکست خواهید خورد، همانگونه که یکبار خوردید."

رفیق فرخ افزود: رفقا! میهن ما روزهای سختی را می گذراند. امپریالیسم امریکا دست به آخرین حیللهای خود زده است بلکه بتواند، خلق ما را از پای در آورد و آن را به شکست بکشاند. شکست توطئه های روزهای اخیر نشان داد که دیگر امپریالیسم امریکا، آن امپریالیسم سابق هم نیست، او دست به محاصره اقتصادی زده است، تهدید به تهاجم نظامی می کند، تا بلکه بتواند خلق ما را به بند کشد، اما جنبش انقلابی خلق، با قدرت تمام، آماده است تا هرگونه تهاجم نظامی را و هرگونه تحریم اقتصادی را به شکستی مفتضحانه تر از آنچه که هست بکشاند.

شکلهای جاسوسان و دوستان امپریالیسم امریکا اکنون در میهن ما دست به توطئه های جدیدی زده اند. آنها انفجارات اخیر را در تهران به اجرا در آوردند، آنها کوشیدند تا با به راه انداختن چند انفجار در روحیه انقلابی مردم و در روحیه انقلابی زحمتکشان تأثیرات منفی بگذارند و آنها را از ادامه راه باز دارند، غافل از آنکه شکوه میتینگ امروز و جشنهایی که به مناسبت همبستگی کارگران در میهن ما برگزار می شود، بقیه در صفحه ۱۵

### هدیه یک رفیق کارگر

پس از سخنرانی رفیق حشمت، دوسرود خوانده شد و در پی آن هدیه یک رفیق کارگر که آرم سازمان بود در معرض دید قرار داده شد. این رفیق کارگر آرم سازمان را روی یک ورقه سی بزرگ حک کرده بود و آن را به مناسبت مبارزات خونین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به سازمان هدیه داد. رفیق کارگر همراه با هدیه خود در نامه ای چنین نوشته بود:

با درود آتشین به تمام رفقای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، یک عدد آرم سازمان که نشانه مبارزه سرخشانه تمام رفقای سازمان چه شهید و چه زنده که جان برگرفته نهاده و در دشت و بیابان، در زندان و در میدانهای تیر در راه آرمان طبقه کارگر، علیه دیکتاتوری شاه و امپریالیسم جهانی مبارزه کرده اند، تا پرچم

همگامی با نهضت مقاومت خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است



### بزرگداشت اول ماه مه در جهان

منوع اعلام کرده بودند. در سرزمین فلسطین تحت اشغال رژیم صهیونیست اسرائیل دههها کارگر به مناسبت روز اول ماه مه در میدانی مرکزی شهرها به عنوان اعتراض به سیاستهای رژیم ضد خلقی اسرائیل اجتماع کردند اما دولت اسرائیل این تظاهرات را ممنوع اعلام کرد و پلیس فاشیستی اش را برای سرکوبی زحمتکشان به مراکز گردهمایی اعزام کرد. مقامات دولتی اسرائیل در توجیه علت منع از برگزاری این مراسم گفتند: "کارگران با رسوم روز اول ماه مه آشنایی ندارند!" در سوئد بیش از هشتصد هزار تن از کارگران از روز اول ماه مه بطور نامحدود دست به اعتصاب زدند و بدین ترتیب فعالیت تمام صنایع دولتی و خصوصی متوقف شد بسیاری از کارگران و کارکنان هتلها و رستورانها و نیز پانزده هزار نفر از کارکنان شهرداری هم به اعتصاب پیوستند. اما مقامهای اتحادیههای کارگری اعلام کردند که غذا و سوخت در تمام طول اعتصاب در اختیار همگان قرار میگیرد. کارگران خواهان ۱۱٪ اضافه حقوق هستند.

رهبران اتحادیههای کارگری نیمه شب اول ماه مه پس از آنکه گفتگوهای با کارفرماها بی نتیجه ماند، خواستار اعتصاب کارگران در کوهنوسوی دانسجویان انقلابی در روز جهانی کارگر به عنوان همبستگی با کارگران (که اجازه برگزاری روز اول ماه مه نداشتند) حکومت نظامی در این کشور را نادیده گرفته و در سئول و هم چنین در شهر تاشچون در ۱۵۰ کیلومتری جنوب سئول، با پلیس ضد خلقی رژیم سئول به نبرد پرداختند. این اولین تظاهرات دانشجویی پس از قتل پارک چونگهی رئیس جمهوری سابق کره جنوبی در اکتبر سال ۱۹۷۹ محسوب میشود. حدود دهمزار دانشجو در شهر تاشچون در یک راهپیمایی سه کیلومتری در مرکز شهر، خواهان لغو حکومت نظامی در کشور شدند. دانشجویان سپس ادر مرکز شهر دست به تحصن زدند و در درگیری با پلیس ضد خلقی این کشور در خارج محوطه دانشگاه خودروهای پلیس را آتش زدند. بیش از ۱۵۰۰ دانشجو در سئول با پلیس رژیم کره جنوبی به زد و خورد پرداختند و مده بهشتاری نیز تظاهرکنندگان از سوی پلیس بازداشت شدند.

میلیونها نفر در سراسر جهان روز جهانی کارگر را جشن گرفتند و به همین مناسبت مراسم ویژه ای در کشورهای مختلف برپا شد که در برخی با خشونت همراه بود.

در مسکو صدها هزار تن از مردم شوروی در میدان سرخ مسکو که از گل پوشیده شده بود رژه رفتند. رژه روندگان پلاکاردهایی با خود حمل می کردند که بر روی آنها نوشته شده بود:

زنده باد صلح در زاپین در روز اول ماه مه ۶ میلیون زاپینی برای اعتراض به تورم در سراسر زاپین دست به تظاهرات زدند.

در توکیو قریب به ۵۰۰ هزار تن در یک گردهمایی خواستار افزایش حقوق کارگران به علت افزایش تورم در زاپین شدند. در تظاهرات اول ماه مه کارگران زاپین شعارهایی علیه فساد سیاسی و همچنین علیه دولت داده شد. (روز اول ماه مه در زاپین یک تعطیل ملی نیست اما کارگران خود این روز را تعطیل می کنند.)

در اسلو پایتخت نروژ تظاهرات روز اول ماه مه با خشونت همراه بود و حدود دو هزار نفر از مردم مدت شش ساعت با نیروهای پلیس زد و خورد کردند که به دستگیری عده زیادی از آنها منجر شد.

در صنعا کارگران در این روز موفق شدند حقوق سندیکائی جدیدی کسب نمایند. در السالوادور انقلابیون کمونیست برای مدت کوتاهی چند ایستگاه رادیویی را اشغال کردند و از تمام گروههای سیاسی و مترقی خواستند به تظاهرات روز اول ماه مه علیه رژیم نظامی دست نزنند. امریکا پیوستند.

در شیلی نیز کمونیستها و گروههای مترقی خواستار تظاهرات گسترده علیه رژیم نظامی این کشور شدند. در بانگوک حدود سی هزار تن از کارگران و زحمتکشان طی یک تظاهرات آرام و باشکوه خواستار زندگی بهتر برای کارگران و لغو ممنوعیت اعتصاب شدند.

در استانبول بزرگترین شهر ترکیه هلی کوبترهای نظامی بر فراز شهر به پرواز درآمدند و تانکها نقاط حساس شهر را زیر نظر گرفتند تا از تظاهرات روز جهانی کارگر بوسیله سازمانهای کمونیستی جلوگیری کنند. نیروهای ویژه امنیتی هر نوع تظاهراتی را در این روز

میرهای برکشت شعار "اتحاد" را می خواندند و می رفتند.

در حاشیه برگزاری باشکوه میتینگ، دسته های اوباش بنام حزب الله با پرتاب سنگ و گاهی چاقو کشی سعی کردند نظم جمعیت را به هم بریزند ولی رفقای انتظامات با هوشیاری تمام تلاش مذبوحانه آنان را خنثی کردند، دسته های حزب الله



همه مشتها گره خورده و بر قدرت بسوی امپریالیسم جهانی سرگردگی امپریالیسم امریکا " ایران را گورستان امریکا می کنیم "

چشم انداز روشنی می بینیم. در ترکیه نیز جنبش انقلابی رو به اعتلاست. هر روز مطبوعات خبر از گسترش مبارزه در ترکیه می دهند.

رفیق در پایان این بخش از سخنان خود، ضمن اشاره به مبارزات مردم افغانستان و پاکستان تاکید کرد که مبارزه خلق افغانستان نیز در برابر فتوادل های پوسیده و امپریالیست های امریکائی و

که نتوانسته بودند دستورات اربابان خود فروخته خود را عملی کنند پس از اتمام میتینگ در خیابان آزادی با جماعت های یک شکلی که همراه داشتند و همچنین با پرتاب سنگ و آجر مانع عبور جمعیت از خیابان آزادی شدند ولی سیل خروشان جمعیت آنان را عقب راند و بالاخره اوباشان خود راه کیوسک های کتابفروشی های مقابل دانشگاه رسانده و با حمله به کتابفروشی ها و کیوسکها، آنان که نتوانسته بودند جشن کارگری را تحمل کنند، جشن کتابسوزان خود را بر پا داشتند.

دیگر مرتجعین منطقه قطعاً پیروز خواهد شد. رفیق با جمله: کارگران سراسر جهان متحد شوید، این است پیام سخنان خود را به پایان برد. با پایان گرفتن سخنرانی سرود انترناسیونال پایان یافت و انبوه جمعیت شرکت کننده با شعار: "برچیدن شوراها، خلق سلاح مردم علیه زحمتکشان به نفع امپریالیسم" میدان را ترک کردند. گروه های شرکت کننده در

### سرود میلیونها کارگر...

بقیماز صفحه ۱۲

بین طبقات برقرار است. وقتی کارگر را سرمایه دار استثمار کند، وقتی این دزدی، این غارتی که سرمایه دار از کارگر می کند وجود دارد فرهنگ جامعه هم متناسب با این دزدی متناسب با این جنایت ها

خود نشانه آن است که این توطئه ها، این بسب گذاری ها، تلاش های مذبوحانه ای است که قطعا با اراده انقلابی شما خاموش خواهد شد. باید اضافه کنم در روزهای اخیر تبلیغات زهر آگین برای بدبین کردن مردم نسبت به نیروهای انقلابی و سابقه و عزم انقلابی آنها از شبکه رادیو و تلویزیون پخش شد. اما امروز تهران چهره دیگری داشت. چهره ای به دفاع از کارگران و زحمتکشان و جمعیتی که امروز در این میدان است نشانگر آن است که آن تبلیغات رادیو تلویزیونی هرگز اثری نخواهد داشت.

اگر یک سال گذشته را مرور کنیم و ببینیم که طی این یکسال چه تحولاتی در میهن رخ داده است، قطعا قادر خواهیم بود چشم انداز آتی را در پیش روی خود ترسیم کنیم. چشم انداز آتی قطعا روزهای پیروزمند و روزهای بدبختی و

زبونی امپریالیسم جهانی و حامی داخلی آن خواهد بود. بیگاری و گرانی بعنوان مظهر بزرگترین مشکلات اقتصادی میهنان گرچه اکنون در اوج است، گرچه همچنان ادامه خواهد یافت ولی با پیروزی کامل بر امپریالیسم امریکا، هم بیگاری را به گور خواهیم سپرد، هم گرانی را، هم بی خانمانی را، هم بی سوادی را، هم بی فرهنگی را. شعار هر فدائی: استقلال، کار مسکن آزادی است (جمعیت شعار را همراهی کرد) و ما آنگاه که استقلال کار - مسکن و آزادی را برای خلقمان تدارک دیدیم فرهنگ استعماری را نیز از جامعه مان خواهیم زدود. رفیق فرخ در ادامه سخنانش به وقایع روزهای اخیر دانشگاهها اشاره کرد و گفت:

شکل خواهد گرفت. این عوامفریبی است که وقتی سرمایه داری برقرار است، وقتی جنوب شهر در بنفوله هم نمی تواند زندگی کند و شمال شهر کاخ نشین است، چگونه ممکن است از انقلاب فرهنگی صحبت کنیم؟ اول آنها را برهم بزنید - کشف امتش را ندارید - بعدا صحبت از انقلاب فرهنگی بکنید.

و با توطئه و عوامفریبی است، حرف های دیگری در میان است که در زیر پوشش انقلاب فرهنگی به میان می آید، مسئله سرکوب جنبش انقلابی است که چون این را هم شهادت ندانید، صریح بگوئید می خواهید تحت عنوان دوستان امریکا آن را بگوئید.

پس از آن رفیق به جنبش های انقلابی منطقه و توطئه های امپریالیست ها پرداخت و گفت:

چیز باید بگوئیم مردم ما با مردم عراق، علاوه بر پیوندهای تاریخی و فرهنگی، در برابر امپریالیسم و استعمار داخلی میهن هایشان متحدند. مبارزات که اکنون در شمال (کردستان) عراق در جریان است و مبارزات که خلق عرب عراق و مبارزات که خلق ما علیه امپریالیسم و عسالت داخلی اش پیش می برند و دشمنان مشترکی که داریم نشانه وحدت ماست. برای خلق عراق هم

همه شاهد بودیم که تحت عنوان انقلاب فرهنگی چه فاجعهای آفریده شد، چه چیزها که پشت انقلاب فرهنگی نهفته نبودا چه نقشه ها که وجود نداشت که با شکستی مفتضحانه روبرو شد، البته به قیمت جان دهها رفیق دانشجو و کارگرما. بادشان گرمی باد. این انقلاب فرهنگی که راه انداخته بودند، از دو حالت خارج نیست: یا جهل است یا عوامفریبی. جهل به این مضمون که فرهنگ هر جامعه ریشه در روابطی دارد که

### پیام های ارسالی به مراسم اول ماه مه

- ۱- پیام هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران میانه.
- ۲- پیام جمعیت کردهای مقیم مرکز.
- ۳- پیام دانشجویان پیشگام.
- ۴- پیام هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - قائم شهر.
- ۵- پیام سازمان احیاء جنبه آزادیبخش ترکیه.
- ۶- شعری از یک کارگر بیگار.
- ۷- مصلان پیشگام.
- ۸- نامه یک رفیق کارگر همراه با آرم مسین کار خود رفیق.
- ۹- فدائیان خلق لر و گروهی از کارگران و دانشجویان لر مقیم مرکز.
- ۱۰- شعری از یک رفیق کارگر چاپخانه.
- ۱۱- پیام دانشآموزان پیشگام.
- ۱۲- پیام ستاد شوراهای خلق ترکمن.
- ۱۳- پیام خانواده شهدای فدائی خلق ایران.
- ۱۴- پیام هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - قائم شهر.
- ۱۵- پیام هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - سیاهکل.
- ۱۶- پیام دانشآموزان پیشگام شریعتی.
- ۱۷- گروهی از کارگران پیمانی پالایشگاه تهران - هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران.
- ۱۸- کارگران پیشرو راه آهن.
- ۱۹- گروه کوهبان

همه شهادت را ندارید - بعدا صحبت از انقلاب فرهنگی بکنید. و با توطئه و عوامفریبی است، حرف های دیگری در میان است که در زیر پوشش انقلاب فرهنگی به میان می آید، مسئله سرکوب جنبش انقلابی است که چون این را هم شهادت ندانید، صریح بگوئید می خواهید تحت عنوان دوستان امریکا آن را بگوئید. پس از آن رفیق به جنبش های انقلابی منطقه و توطئه های امپریالیست ها پرداخت و گفت: چیز باید بگوئیم مردم ما با مردم عراق، علاوه بر پیوندهای تاریخی و فرهنگی، در برابر امپریالیسم و استعمار داخلی میهن هایشان متحدند. مبارزات که اکنون در شمال (کردستان) عراق در جریان است و مبارزات که خلق عرب عراق و مبارزات که خلق ما علیه امپریالیسم و عسالت داخلی اش پیش می برند و دشمنان مشترکی که داریم نشانه وحدت ماست. برای خلق عراق هم

## بسیج مسلح تودهها ضامن پیروزی خلقهای ماست





## کارگر

دانسته ام ،  
صدای رسای عشق  
آن قامت بلند تناور را  
تا اوج مهربانی و ایثار  
تا شوکت حماسه و خون -  
خواهد بُرد

وقتی شکوه روشن آگاهی  
با جان و با جهان خروشان خلق من  
پیوند پر شکوفه‌ای می‌بندد  
زیبایی مبارک قلبی بزرگ را  
در پیشگاه هستی تاریخ می‌برد  
دانسته ام ،

صدای رسای عشق  
زیبایی حقیقت فردا را  
در قلب کارخانه و در قلب بزرگر  
با کار و با حمایت نام تو -  
خواهد گفت

دانسته ام ،  
صدای رسای تو  
زیباتر از همیشه خواهد بود .

بمناسبت سالگرد تولد کارل مارکس

## "کارگران" سراسر جهان یک دشمن مشترک دارند: سرمایه داری

د. صفحه ۱۰

### دسیسه‌های دشمن برای لوٹ کردن مبارزات مردم

خرابکاری در تاسیسات نفت ، بمب گذاری در اماکن پرجمعیت شهرهای بزرگ و سایر اقدامات تروریستی و خرابکارانه‌ای که تاکنون دهها تن از مردم میهن ما را مجروح و به کشتن داده است ، ششهای طراحی شده‌ای است که از جانب دشمنان انقلاب ، ران و برای لوٹ کردن مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک زحمتکشان میهن ما هدایت می‌شود .

آخرین نمونه این اقدامات ، گروگان‌گیری کارکنان سفارت ایران در لندن بود که مشخصا برای بی‌اعتبار ساختن مبارزات ضدامپریالیستی خلق‌های دلاور ایران به ویژه خلق عرب ایران و ایجاد نفاق میان خلق‌های ایران تدارک دیده شده بود . ما اینگونه اعمال خرابکارانه و تروریستی را قویا محکوم می‌کنیم و مجربان آن را عناصری می‌دانیم که مشخصا به منافع امپریالیسم خدمت می‌کنند .

## صلح در کردستان بنفع زحمتکشان ...

بقیه از صفحه ۱



گوشه‌ای از فجایعی که ارتش و پاسداران در کردستان بپا کرده‌اند. کودکی خردسال قربانی خمپاره‌های آمریکائی که بر سر مردم شهر سنندج باریده‌اند .

سربازانی که در جریان جنگ اخیر به مردم کردستان پیوسته‌اند می‌گفتند :  
" این ارتش هیچگاه نشد که با یک دولت خارجی بجنگد ، از وقتی که ما این ارتش را می‌شناسیم همیشه بقیه در صفحه ۳

کردستان درک کنند و اینجا و آنجا تمام تلاش خود را به عمل می‌آورند تا مردمی را که برای به‌دست آوردن حقوق خود به‌پا خاسته‌اند زیر آتش بمب‌ها و مسلسل‌ها بگیرند و از این رهگذر موقعیت خود را استحکام بخشند .

نماینده‌ای برای آتش - مس ، مخالفت ارتش و سپاه پاسداران با آتش بس ، تنها گوشه‌ای از این حقیقت را که چه کسانی خواهان جنگ و چه کسانی خواهان صلح هستند بر ملا می‌سازد .  
جنگ تحمیلی اخیر نیز ، باردیگر اثبات کرد که بدون توجه به خواست‌های عادلانه مردم کردستان که در چارچوب طرح ۲۶ ماده‌ای هیئت نمایندگی خلق کرد اعلام شده است ، هیچ نیروئی نمی‌تواند کاری از پیش ببرد . این جنگ باردیگر اثبات کرد که تنها دشمنان مردم ما و در راس آن فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی هستند که نمی‌توانند زبان صلح و مذاکره را برای پایان دادن به بحران

خاک میهن ما تجاوز می‌کنند هواپیماها و هلی‌کوپترهای ارتش جمهوری اسلامی کردستان را بمباران می‌کنند در آغاز مخاصمات اخیر هم فرماندهان ارتش بودند که به بهانه مانورهای نظامی به گسترش جنگ در کردستان دامن زدند و بار دیگر جنگ تمام عیار را به مردم کردستان تحمیل کردند .  
گذشته از هشدارها و کوشش‌هایی که از آغاز جنگ تحمیلی اخیر ، هیئت نمایندگی خلق کرد برای جلوگیری از گسترش جنگ به عمل آورد ، در جریان قتل و کشتارهای وحشیانه‌ی هفته‌های اخیر نیز ، هیئت نمایندگی از هیچ کوششی برای جلوگیری و قطع جنگ کوتاهی نکرد . پیش قدم شدن هیئت

امروز در هر شهر و روستای کردستان ، اسناد رسوایی و ربوئی سرکوبگران به چشم می‌خورد . خانه‌های ویران شده ، مادران داغ‌دیده ، شهدای به خون خفته و هزاران زخمی که کمترین دسترسی به پزشک و دارو ندارند . شهرها و روستاهای سوخته و دودگرفته که از هر جای آن بوی خون و باروت برمی‌خیزد ، همه و همه هدیه کسانی است که جنگ اخیر را به خلق کرد تحمیل کردند .  
تحمیل جنگ به خلق کرد ، علاوه بر سرکوب انقلابی‌ترین و ضدامپریالیست‌ترین نیروهای سیاسی ، متوجه مشرف ساختن مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما است . در شرایطی که هواپیماها و هلی‌کوپترهای آمریکائی به

## پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر